

# نه از آن شوری شور نه از این بی نمکی!

## برداشت بن بست آفرین از یک توافق



در این که حلقه‌هایی در داخل دولت و از جمله در ارگ ریاست جمهوری تلاش‌هایی را به راه انداخته‌اند که روند فعلی فنی و سیاسی را با چالش مواجه سازند، هیچ جای تردیدی باقی نمانده است. بحث ایجاد دولت موقت وقتی مطرح شد، چندان بی‌پیشه و اساس هم نبود. می‌گویند دزد سر خود پر دارد. همین که گزارش نیویارکتایمز باعث این همه نگرانی و سراسیمگی ریاست جمهوری شد، نشان می‌دهد که حرف و حدیث‌هایی در این خصوص مطرح بوده است. در این که آقای کرزی تلاش‌هایی را آغاز کرده که توافق‌های حاصله میان دو ستاد انتخاباتی را به ناکامی بکشاند، کمتر کسی تردید از خود نشان می‌دهد. آقای کرزی خلاف آن چه که می‌گوید تا ده روز دیگر باید رییس جمهوری آینده مشخص شود، هیچ اراده‌یی برای انتقال قدرت ندارد

صفحه ۶



یگانه گزینه امیدوار کننده، توافق روی چارچوب دولت وحدت ملی می‌باشد که زیر مذاکره هر دو تیم قرار دارد. امیدوارم که این آخرین شانس برای افغانستان را نیز با هوای دیگری از بین نبرند. ای کاش این مذاکرات، زمانی که برای شان مصرانه پیشنهاد داده بودیم صورت می‌گرفت که امروز یک مدل توافق شده روی میز موجود می‌بود و به این چانه زنی‌ها و صف کشیدن‌ها نیاز نمی افتاد که یکی طلب حق مردم را می‌کرد و دیگری قانون را دستاویز قرار می داد.

صفحه ۶

## داکتر عبدالله عبدالله:

# اعتماد مردم را در برابر هیچ امتیازی معامله نمی‌کنیم!



جواب داده شود.

او خاطر نشان ساخت: «ما از هر قدم پروسه تفتیش نظارت می‌کنیم و در نتیجه آن تصمیم می‌گیریم این را ما امروز راه دفاع از حق مردم و حمایت از رأی مردم دانسته ایم».

ادامه صفحه ۶

«از گامی که در پروسه سیاسی گذاشته‌ایم پیشیمان نیستیم، اما غلط فهمی و سوء تفاهم هم نباید در این زمینه باشد. اگر معنای این پروسه این باشد که یک تیم برنده است و تیم بازنده یک چیزی می‌خواهد و تیم برنده آن را نمی‌دهد اگر معنایش چنین باشد از همین لحظه پروسه قطع و ختم است».

داکتر عبدالله عبدالله یکبار دیگر به تفتیش شفاف و عادلانه آرای انتخابات دور دوم ریاست جمهوری تأکید کرده و گفت: «ما به مردم افغانستان اطمینان می‌دهیم که منظور ما از تفتیش آرای یک نمایش نبوده و نیست».

به گفته آقای عبدالله: تفتیش آرا با مشکلاتی روبرو بوده و ناظرین تیم اصلاحات و همگرایی با مسایلی برخورد کرده اند که باید به زودترین فرصت به آن‌ها

داکتر عبدالله عبدالله رهبر تیم اصلاحات و همگرایی می‌گوید: اگر توافقی که میان دو نامزد ریاست جمهوری با میانجی‌گری وزیر خارجه امریکا به دست آمده به معنای امتیازی خواهی تیم بازنده باشد؛ از نظر وی این پروسه از همین لحظه ختم است.

داکتر عبدالله عبدالله که به روز پنجشنبه (۳۰ اسد) در نشست سران رهبران تیم اصلاحات و همگرایی در جمع هزاران تن از هوادارانش سخن می‌گفت، تشکیل حکومت وحدت ملی را به خیر مردم افغانستان خواند. رهبر تیم اصلاحات و همگرایی بیان داشت که پروسه سیاسی‌یی که نمایندگان هر دو تیم در این روزها به خاطر ایجاد حکومت وحدت ملی روی آن کار می‌کنند به معنای امتیاز طلبی نیست.

این نامزد انتخابات ریاست جمهوری تصریح نمود:

محمدامین فرهنگ در نشست گفتگویی پیرامون تشکیل دولت وحدت ملی در افغانستان:

## انتخابات ملکیت افغان‌ها است



یادداشت: مدل پیشنهادی دولت وحدت ملی در افغانستان، از آدرس کنفرانس آجندای ملی، روز پنجشنبه (۲۲ اسد/مرداد) در نشستی در هوتل کابل استار ارایه شد.

در این نشست، شماری از نخبگان سیاسی، استادان دانشگاه، نمایندگان مجلس و نماینده‌گان شماری از سفارتخانه‌های خارجی مقیم کابل اشتراک کرده بودند.

در این سیمینار، نخبگان دانشگاهی و سیاسی، روی چارچوب پیشنهادی تشکیل دولت وحدت ملی در افغانستان که از سوی کنفرانس آجندای ملی ارایه شده است، به گونه مفصل بحث و گفتگو کرده و پیشنهادهای‌شان را به منظور غنامندسازی هر چه بیشتر این طرح، ارایه کردند.

متن سخنرانی سخنرانان این نشست، پس از این از روزنامه ماندگار به نشر میرسد

صفحه ۷

## یک پلیس پنج همکار خود را

### در ولایت هلمند کشت



یک مقام پلیس ولایت هلمند در جنوب افغانستان اعلام کرد که ۵ سرباز پلیس، در ولسوالی گرشک توسط یک همکار افغان خود ابتدا مسموم شدند و سپس به قتل رسیدند.

او که خواست نامش فاش نشود، به بی‌بی‌سی گفت: «شب گذشته یک سرباز پلیس که با نیروهای مخالف دولت...

ادامه صفحه ۶

### در برگ‌ها



نگاهی به کتاب «طالبان» در پشت نقاب»

انشستین و فیزیک کوانتوم



صنعت گفت‌وگو در شر سیمین بهبهانی



در نشست نقش رسانه‌ها و مبارزه با فساد اداری: مردم افغانستان در یک سال گذشته حدود دو میلیارد دالر رشوه پرداخته اند



محمد اکرام اندیشمند

## نگاهی به کتاب «طالبان در پشت نقاب»

خبر می گذارد و برداشت ناقص از موضوع را به او ارائه می کند. این ذهنیت و باور به خواننده القا میگردد که جریان اسلام گرایی یا آنچی که بنام اخوانی در افغانستان شهرت یافت از همان آغاز در خدمت منافع و اهداف پاکستان قرار گرفت. حتی اگر این تحلیل بخشی از واقعیت های این جریان باشد، تذکر و بررسی نقش سردارمحمد داود و دولت افغانستان و همچنان سیاست مسکو و گروه های چپ مارکسیست به خصوص حزب دموکراتیک خلق در راندان و هل دادن اخوانی ها و جریان اسلامی در دامن پاکستان، نه نقش فرعی که نقش اصلی و مهم بود.

یکی از نکاتی که کاستی های کتاب را مبتنی بر تعریف نقش پاکستان در ایجاد طالبان و حمایت از این گروه در تمام مراحل حیات طالبان از ظهور تا سقوط و بازتولید، تشکیل می دهد، تبیین و تحلیل ناروشن از ریشه ها و انگیزه های اصلی اسلام آباد در این نقش است. نویسنده، انگیزه ها و اهداف پاکستان را با صراحت و شفافیت به بحث و بررسی نمی گیرد که پاکستان در این چهل سال حمایت نظامی از جریان اسلام گرایی و طالبان که هنوز ادامه دارد چه می خواهد؟ نقش و سهم افغانستان در شکل گیری این وضعیت چیست؟ تقصیر در کجا است و مقصر اصلی کیست؟ اسلام آباد یا کابل؟ در حالی که ریشه های اصلی اختلاف و منازعه میان پاکستان و افغانستان به خط دیورند و ادعای در واقع ارضی کابل به پاکستان بر میگردد، اما در کتاب طالبان در پشت این نقاب، این امر یا مسکوت گذاشته شده و یا بسیار کم اهمیت و بی رنگ انعکاس یافته است. هرچند اختلاف کابل و اسلام آباد تنها به این منازعه خلاصه نمی شود، ولیکن این اختلاف، محور اصلی تمام ناسازگاری های دو طرف را می سازد که تمام اختلافات دیگر به نحوی ریشه در آن دارد. تا زمانی که این ریشه نخشکد، نقش پاکستان در تولید و بازتولید گروه های مخالف دولت افغانستان ادامه خواهد داشت.

### نکته مهم و نگارش نایافته:

در حالی که کتاب طالبان در پشت نقاب به گروه طالبان از تولد تا اقتدار و از فروپاشی تا بازتولید می پردازد، اما به مهم ترین حادثه داخل افغانستان در این دوران که ترور احمدشاه مسعود فرمانده مقاومت علیه طالبان بود، اشاره نمی شود. چگونه می توان در کتابی از طالبان و جنگ طالبان سخن گفت، اما از طرف مقابل این جنگ حرفی به میان نیارود؟ به خصوص که احمدشاه مسعود فرمانده اصلی و محوری مقاومت و جنگ علیه طالبان در یک تصمیم و برنامه مشترک طالبان و حامیان اصلی آنها، القاعده و پاکستان ترور می شود تا راه به امارت سرتاسری طالبان در افغانستان هموار گردد.

### اثر ارزشمند و قابل مطالعه:

کتاب طالبان در پشت نقاب، با تمام کاستی هایش یک اثر ارزشمند و قابل مطالعه برای شناخت بیشتر طالبان و دست های پشت سر این جریان است. مطالعه این کتاب را من برای نسل جوان کشور در مکاتب و دانشگاه ها توصیه می کنم تا انگیزه های بیشتری در شناخت طالبان و خطر تفکر طالبانی برای ثبات و توسعه سیاسی و اجتماعی افغانستان پیدا کنند.

### مشخصات کتاب:

نام کتاب: طالبان در پشت نقاب  
نویسنده: ابومسلم شیرزاد  
ناشر: انتشارات سعید  
چاپ و صحافی: چاپخانه سیاوون  
ویراستار: عبدالملک عطش  
طرح جلد و برگ آرایشی: مرکز گرافیک کلک  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
نوبت چاپ: چاپ اول/ تابستان ۱۳۹۳  
بهاء: ۲۰۰ افغانی  
حقوق چاپ و نشر به ناشر محفوظ است.

رسیدند، بیشتر به گرافه گویی و افسانه سازی میماند. نکته قابل توجه و جالب در تمام مباحث کتاب، اختصار نویسی است. مطالب بسیار مهم و وسیع بگونه مختصر و اندک طوری نگاشته و تبیین شده است که خواننده تا حدی می تواند معلومات و آگاهی موضوع مورد بحث را بیشتر از مقدار و حجم کتاب بدست بیاورد. نگارش روان و قابل فهم، یکی دیگر از امتیاز کتاب طالبان در پشت نقاب است. خوانندگان مختلف می توانند از این امتیاز سود ببرند و مطالب کتاب را به خوبی و سهولت درک و هضم کنند.

### کاستی های طالبان در پشت نقاب:

کتاب طالبان در پشت نقاب دارای کاستی هایی است که خواننده را از دسترسی به آگاهی دقیق در مورد هویت و ماهیت طالبان، اندکی دور می سازد و یا کم از کم به سردرگمی خوانندگان در تشخیص عوامل اصلی طالبان چه در مرحله ظهور و چه در دوران بازتولید می انجامد. تمرکز بیشتر به ریشه های شکل گیری و ظهور طالبان معطوف به افکار و باور های مذهبی که



طالبان از لحاظ فکری به فرقه خوارج مقایسه می شود، عوامل اصلی ظهور، بقا و بازتولید این گروه را کم اهمیت می سازد. در حالی که این عوامل به سیاست دولت ها و سازمان های اطلاعاتی خارجی حامی طالبان به خصوص پاکستان و عربستان سعودی و اهداف آنها بر میگردد. هر چند نویسنده، با بیان دیدگاه های انتقادی برخی از طالبان پس از سقوط امارت شان، نتیجه گیری می کند که عملکرد سختگیرانه و افراطی آنها به باورهای مذهبی و دینی بر نمیگردد، بلکه ناشی از رقابت های سیاسی عربستان و ایران می شود که به نحوی در نگاه و عملکرد طالبان بازتاب داشته است.

نویسنده در حالی که نقش پاکستان در ایجاد طالبان و اهداف پاکستان را در شکل دهی گروه طالبان حتی از لحاظ تاریخی مورد بحث قرار میدهد، اما به نکات مهم این عوامل و اهداف نمی پردازد. بگونه مثال؛ در فصل اول که از تشکیل جریان اسلام گرایی افغانستان، متأثر و ملهم از اخوان المسلمین مصر در اواخر دهه شصت سده بیستم (۱۹۶۸) سخن می گوید و آنرا آغاز «زمینه های ابتدایی دستیابی عملی پاکستان به دخالت در امور افغانستان» (صفحه ۲۲) تلقی می کند. اما در این نگاه و تحلیل، نقش دولت و زمام داران افغانستان به خصوص سردار محمد داود، نقش شوروی و جریان چپ مارکسیست افغانستان را در ایجاد چنین زمینه هایی ناگفته میماند. این تحلیل و تلقی، خواننده را در مورد بخشی از عوامل این زمینه ها بی

کتاب طالبان در پشت نقاب، راز ظهور، رمز سقوط، معمای بازتولید، نوشته ژورنالیست جوان و مستعد کشور و گرداننده برنامه های مهم سیاسی-خبری تلویزیون طلوع، آقای ابومسلم شیرزاد است که در ۱۹۶ صفحه از سوی انتشارات سعید در تابستان سال روان ۱۳۹۳ خورشیدی به چاپ رسید.

این کتاب شامل چهار فصل و یک ضمیمه تصاویر در پایان کتاب است. چاپ تصویر های رنگین در این ضمیمه، کتاب را برای خوانندگان دلچسپ تر و جالب تر می سازد و کتاب را در واقع بصورت مستند در برابر خوانندگان قرار میدهد.

### انگیزه های نگارش:

نویسنده قبل از فصل اول در چکیده مباحث که شامل هشت صفحه می شود، از انگیزه های نگارش این اثر سخن دارد. وی در حالی که به شماری از آثار نگاشته شده در مورد طالبان اشاره می کند، اما نواقص آن آثار را در معرفی دقیق هویت و ماهیت طالبان یکی از انگیزه های پژوهش و نگارش کتاب طالبان در پشت نقاب عنوان میدارد: «...، اما کمتر اثر را می توان یافت که بر بنیاد یافته های متفاوت به ویژه پشت و پهلوی استخباراتی ظهور طالبان با توجه به اسناد و با استفاده از منابع تصویری معتبر از میان سیاسیون درون طالبان و سیاسیون پشتیبان آنها پرداخته باشد و یا هم بیشتر کتاب ها به آغاز جنبش طالبان از یک زاویه پرداخته اند، پس در این رساله تلاش بر این صورت گرفته که برای نخستین بار به سه دوره (ظهور، سقوط بازتولید) این گروه با دستیابی به منابع دست اول پردازد.»

### بازتولید طالبان:

یکی از مباحث که کتاب طالبان در پشت نقاب را از سایر آثار متمایز می سازد، پرداختن نویسنده به ظهور مجدد طالبان پس از فروپاشی امارت یا حکومت این گروه با یورش نظامی ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۰۱ است که از آن با عنوان بازتولید طالبان نام می برد. نویسنده، بازتولید طالبان را در آخرین فصل کتاب به بحث و بررسی می گیرد؛ هر چند این مبحث بسیار با اختصار بیان می شود و بر خلاف اهمیت موضوع، از تفصیل و تحلیل بیشتر احتراز گردیده است. به خصوص در مورد نقش پاکستان و ایران در باز تولید طالبان با اختصار بیش از حد سخن میرود و انگیزه ها و اهداف آنها در این بازتولید مورد بحث و تحلیل قرار نمی گیرد.

موضوع دیگری که به عنوان نکته بسیار مهم و قابل توجه و تحلیل در بازتولید طالبان نادیده گرفته می شود، سیاست های طالب پروری و طالب نوازی رئیس جمهور کرزی است. در حالی که موارد و فاکت های بسیار مشخص و مستند در تمام سالهای زمام داری کرزی و به ویژه در سالهای اخیر حکومت او وجود دارد که نقش عمده ای در بازتولید طالبان داشته است.

### سایر ویژگیهای متمایز کتاب:

کتاب طالبان در پشت نقاب به عوامل مختلف ظهور طالبان از مؤلفه های فکری و ذهنی در ظهور آنها در تادست های استخباراتی و قدرت های خارجی و عوامل داخلی در یک پیوستگی سخن می گوید. به این معنی که طالبان به عنوان گروهی مورد بحث قرار می گیرد که مجموعه ای از باور های مذهبی، تنش ها و تعارضات قومی و قبیله ای در داخل افغانستان، منافع و مقاصد استخباراتی کشور ها و رقابت های منطقه ای و حتی جهانی در ظهور و سقوط طالبان و به همین گونه در باز تولید آنها نقش ایفا کرده است.

کتاب طالبان در پشت نقاب، ظهور طالبان را از نگاه های مختلف و متفاوت بیان می کند. طالبان از دیدگاه خودشان و از نگاه و تحلیل دیگران مورد تبیین و بحث گرفته می شود. هر چند دیدگاه و بیان طالبان در تشکیل این گروه که سپس به اقتدار نظامی و سیاسی در افغانستان

## سخن ماندگار

### درد رو در روی و نسخه دولت وحدت ملی

کشمکش های انتخاباتی وارد فاز دیگری شده است و رسوایی های تقلب، هر روز باعث جنگ های خونین ناظران انتخاباتی در داخل کمیسیون انتخابات می شود. شاید رسوایی از این بدتر نشود که در روز روشن و در هنگام پروسه بازشماری آرا اسلحه داخل کمیسیون انتقال داده می شود و مورد استفاده قرار می گیرد. این وضع خود دال بر ناتوانی و بی کفایتی مسوولان کمیسیون انتخابات است و بنابراین، تردیدی نیست که همین بی کفایتی سبب مهندسی افتضاح آور نیز انتخابات گردیده است.

اکنون شرایط طوری شده که سلامت آرای مردم از طریق بازشماری آرا نیز تضمین نخواهد شد. از یک سو، گروهی که متهم به تقلب گسترده در انتخابات است، به هیچ وجه حاضر نیست که به این رسوایی اعتراف کند و برای جداسازی آرای شفاف از آرای غیرشفاف همکاری نماید. از سوی دیگر، اعضای کمیسیون انتخابات نیز در این راستا با تقلب کاران همراه است و پابه پای آنان، سعی در کتمان صندوق های مشکوک و آرای تقلبی دارند.

این روند باعث شده که تیم اصلاحات و هم گرایی نیز برآشفته گردد و از نتایج پس از بازشماری آرا نومید. افزون بر این ها، جلسات متعدد هر دو تیم بر سر تفسیر متن توافق نامه پیش از بازشماری آرا به هنوز به گونه رسمی به جایی نرسیده است.

در نتیجه تمامی نکات یادشده، اکنون بار دیگر گمان زده می شود که سایه بحران هنوز از کشور برچیده نشده است. وضعیت، بار دیگر به جایی رسیده است که تیم متهم در تقلب های انتخاباتی، با خدعه و نیزنگ و به همکاری سعی در پوشش تقلب های موجود دارد و نیز از متن قرارداد دو طرف سر باز می زند. در مقابل، تیم اصلاحات و هم گرایی هم از مبارزات سبز و نارنجی دم می زند که اگر احیاناً به نتیجه مطلوبی نرسیدند، به زودی محقق خواهد شد.

مسأله آن است که در حال حاضر هیچ راه برون رفتی در پیش رو نیست. تنها راه حل ایجاد دولت وحدت ملی به نظر می رسد که در پی دسایس و توطیه های حکومتی اکنون شکل گیری آن کمرنگ به نظر میرسد. دست کم، پس از توافق هر دو تیم انتخاباتی، با پادرمیانی ایالات متحده، توقع می رفت که به اضافه هر دو تیم، آقای کرزی نیز برای برون رفت از بن بست موجود دست کمک پیش کند و شرایط را برای انتقال قدرت مسالمت آمیز مساعد سازد. اما نشانه های حاکی از آن است که آقای کرزی و همراهان نه تنها کمکی نکرده اند که در بسا از موارد، شرایط را پیچیده تر و بغرنج تر نیز ساخته اند. به گونه یی که اکنون هر دو تیم بار دیگر در برابر هم قرار گرفته اند که ادامه این وضع مشکلات زیادی را ایجاد می کند. احتمال دارد که در روزهای آینده چنگ و دندان نشان دادن تیم های انتخاباتی بیش از پیش گردد. به گونه یی که بار دیگر ما شاهد یک بحران فراگیر و سراسری باشیم. این در حالی است ظاهراً که ایالات متحده و جامعه جهانی نیز پای خود را از انتخابات افغانستان بیرون کشیده اند و اکنون چونان تماشاچیی منتظر پایان ماجراستند.

به هر حال، وضع موجود به شدت نگران کننده و نومیدی بخش است. اما در صورتی که نیتی برای حل بحران وجود داشته باشد، هنوز هم دیر نیست. زیرا، نسخه دولت وحدت ملی هنوز یگانه و منطقی ترین راه حل است که در هر صورت، اقناع هر دو طرف را فراهم می کند و در عین حال، مشروعیت دولت آینده را تضمین. این کار بدون کوتاه کردن دست دخالت آقای کرزی به میان نخواهد آمد که آن هم در اثر اتفاق دو تیم انتخاباتی و نیز نظارت و دخالت مستمر جامعه جهانی ممکن نخواهد بود. در غیر آن، بحران و فراگیری آن حتمی است.

بی بی سی

آمریکا:

# نبرد با «داعش» طولانی خواهد بود



طی دو هفته گذشته جنگنده‌های آمریکا بارها خودروهای مسلح داعش را هدف قرار داده‌اند. چاک هیگل، وزیر دفاع آمریکا می‌گوید تشکیلات گروه دولت اسلامی بسیار سازمان یافته است و پنتاگون برای مقابله با آن به یک برنامه طولانی مدت فکر می‌کند.

آقای هیگل روز پنجشنبه (۲۱ اوت - ۳۰ مرداد) گفت: «تهدید گروه دولت اسلامی یک تهدید گذرا و کوتاه مدت نیست. این تشکیلات بسیار سازمان‌یافته‌تر از یک گروه تروریستی است. آنها بسیار خوب تجهیز و حمایت می‌شوند. برای خود ایدئولوژی دارند و بسیار خردمندانه تاکتیک‌ها و راهکارهای نظامی را به کار می‌گیرند. این گروه ورای آن چیزی است که ما تاکنون دیده‌ایم. احتمالا آنها در آینده خود را دوباره ساماندهی می‌کنند و حملات جدیدی را ترتیب می‌دهند.» او بر این اساس گفت پنتاگون برای چگونگی مقابله با شبه‌نظامیان دولت اسلامی، برنامه ای دراز مدت را در نظر گرفته است.

در همین حال، در بریتانیا بخش‌های امنیتی در تلاش برای شناسایی هویت مردی هستند که در ویدئو منتشر شده از سربریدن جیمز فولی، کنار او می‌ایستد و بی‌رحمانه خنجر را بر گلوی این گزارشگر آزاد آمریکایی قرار می‌دهد. این پیکارجوی سیاه‌پوش و تنومند، زبان انگلیسی را روان و با لهجه بریتانیایی صحبت می‌کند و براساس گزارش‌هایی تأیید نشده، گفته می‌شود او از شهروندان لندن یا جنوب شرق انگلستان بوده است.

در آمریکا اما، خبر باخ‌خواهی داعش در یک سال گذشته و ایمیلی که یک هفته پیش این گروه برای پدر و مادر جیمز فولی ارسال کرده بوده است، در صدر اخبار رسانه‌ها قرار گرفته است.

گلوبال‌پست، وبسایت خبری کارفرمای جیمز فولی، خبرنگار مقتول آمریکایی، اعلام کرده است شبه‌نظامیان گروه دولت اسلامی برای آزادی این خبرنگار ۱۳۲ میلیون دلار باج خواسته بودند.

فیلیپ بالونی، مدیرعامل گلوبال‌پست، گفته است که شبه‌نظامیان دولت اسلامی سال میلادی گذشته برای آزادی آقای فولی این درخواست را طرح کرده بودند. در تحویلی دیگر، والدین جیمز فولی می‌گویند داعش

عمران خان:

## با دولت مذاکره نمی‌کنیم تا نواز شریف استعفا ندهد



عمران خان، سیاستمدار مخالف دولت پاکستان گفته است تا زمانی که نواز شریف، نخست وزیر این کشور استعفا ندهد، با دولت مذاکره نخواهد کرد.

عمران خان یکی از کریکت باز مشهور پاکستان که هم اکنون رهبری حزب «تحریک انصاف» را به عهده دارد، در جمع هوادارانش در برابر مجلس پاکستان گفته است که این محل را تا زمان کناره گیری نواز شریف ترک نخواهد کرد.

نمایندگان مجلس پاکستان با صدور اعلامیه درخواست ها برای کناره گیری آقای شریف را خلاف قانون اساسی خوانده اند.

پیشتر گزارش شده بود که مذاکرات میان دولت پاکستان با مخالفان آغاز شده است.

ازسوی هم، نواز شریف گفته است که حکومت پاکستان برای پایان دادن به بحران سیاسی کنونی در این کشور سخت می‌کوشد.

وی افزوده است که حکومت وی می‌کوشد تا به اعتراضات و تحصن مخالفان اش از راه گفتگو، نقطه پایان بگذارد.

در حالی که نواز شریف می‌گوید که حکومت وی آماده گفتگو با تحریک انصاف و تحریک عوامی پاکستان است، اما طاهر القادری رییس تحریک عوامی نیز خواستار استعفای وی است. القادی و خان اگر چه خواهان کناره گیری آقای شریف هستند، اما متحد یکدیگر محسوب نمی‌شوند. خبرنگاران می‌گویند اگر یکی از طرفین با دولت به توافق برسد، طرف دیگر به شدت تضعیف خواهد شد.

معترضان که در اسلام آباد جمع شده اند، آقای شریف را متهم می‌کنند که با تقلب در انتخابات پارلمانی سال پیش، به پیروزی رسید.

## ده هزار آواره اوکراینی از کریمه به دیگر نواحی روسیه اعزام می‌شوند



حدود ده هزار نفر از آوارگان اوکراینی از کریمه به دیگر نواحی روسیه اعزام خواهند شد اما این رقم نهایی نیست چون هر روز حدود ۵۰۰ آواره از شرق اوکراین وارد این شبه جزیره می‌شوند.

«میخائیل شرمتم» معاون اول رییس شورای وزیران کریمه ضمن اعلام این مطلب تأکید کرد مقامات این شبه جزیره آماده ادامه کمک رسانی در پذیرش آوارگان اوکراینی هستند.

یادآور می‌شود ورود انبوه آوارگان به روسیه از جنوب شرقی اوکراین از ماه ژوئن در شرایط تشدید نبردها بین نیروهای مردمی طرفداراستقلال استان های دونتسک و لوهانسک و ارتش این کشور افزایش یافته است. هر روز چند هزار نفر آواره اوکراینی از مرز روسیه عبور می‌کنند. بیشتر آوارگان وارد استان روستوف روسیه می‌شوند و تعدادی از آنها به کریمه می‌روند. بخشی از آوارگان در این مناطق می‌مانند و بقیه به مناطق دیگر می‌روند.

دسترسی گسترده‌ای دارد. پاسخ آمریکا به داعش: ادامه حملات هوایی همزمان با آشکار شدن جزئیات مرگ جیمز فولی و همچنین افزایش نگرانی‌ها از چگونگی تلاش کاخ سفید برای جلوگیری از کشته شدن یک گروهان دیگر به نام استیون ساتلاف، جنگنده های آمریکایی روز پنجشنبه هم به عملیات خود در عراق ادامه دادند. اکنون با گذشت دو هفته از آغاز حملات هوایی آمریکا علیه مواضع دولت اسلامی، شمار حملات هوایی جنگنده‌های این کشور به ۹۰ مورد رسیده است.

مرکز فرماندهی عملیات آمریکا، روز پنجشنبه اعلام کرد که جت های این کشور در کنار پهپادها امروز به چهار خودرو شبه نظامیان حمله کرده اند و مواضع این گروه را در حوالی سد موصل هدف قرار داده‌اند. از ۹۰ عملیات هوایی آمریکا در عراق طی دو هفته گذشته، ۵۷ مورد آن در حوالی سد موصل، بزرگترین سد عراق، صورت گرفته است.

سدی که اکنون پیشمرگه‌های کرد و نیروهای دولتی عراق مدعی‌اند با کمک جنگنده‌های آمریکایی از کنترل شبه‌نظامیان داعش خارج شده است.

به آنها حدود یک هفته پیش ایمیل داده بود و از تصمیم خود برای «اعدام قریب الوقوع» پسرشان خبر داده بود.

روز پنجشنبه همچنین گزارش شد که کاخ سفید یکسال پیش طی عملیاتی شبانه در داخل خاک سوریه، تلاش کرده بود گروهان‌های آمریکایی را از دست داعش رها کند اما این عملیات که با مشارکت یگان‌های مختلف ارتش آمریکا انجام گرفته بود و حتی میان آنها و شبه نظامیان تبادل آتش درگرفته بود، بدون نتیجه پایان یافته بوده است چرا که نیروهای آمریکایی حین عملیات متوجه شدند گروهان‌ها دیگر در محلی که آنها مورد هدف قرار داده بودند، نبودند. این نخستین بار است که آمریکا به انجام یک عملیات نظامی در داخل خاک سوریه پس از آغاز جنگ‌های داخلی این کشور از سال ۲۰۱۱ اشاره می‌کند.

با وجود ناکامی در این عملیات، اریک هولدر، دادستان کل آمریکا، امروز به کسانی که جیمز فولی را کشته اند هشدار داد که تحقیقات جنایی مربوط به قتل این شهروند آمریکایی رسماً آغاز شده است و تا هر زمان که نیاز باشد ادامه می‌یابد. آقای هولدر گفت در این چنین مواردی آمریکا «حافظه‌ای قوی و محدوده

## کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل شورای امنیت را به «کوته‌بینی» متهم کرد



ناوی پیلای، کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل، در سخنانی در نشست شورای امنیت این سازمان گفت که اعضای این شورا به جای توجه به رنج انسان‌ها و موارد نقض فاحش صلح و امنیت جهانی، با کوته‌بینی کامل، به مسایل کوتاه مدت ژئوپلیتیک و منافع محدود ملی خود اولویت می‌دهند.

خانم پیلای، که پس از شش سال، ریاست او بر شورای حقوق بشر سازمان ملل به زودی به پایان می‌رسد، گفت: «اعتقاد راسخ دارم که واکنش مناسب‌تر این شورا می‌توانسته جان صدها هزار انسان را نجات دهد.»

وی گفت که شرایط کنونی در سوریه، افغانستان، جمهوری آفریقای مرکزی، جمهوری دموکراتیک کنگو، عراق، لیبی، مالی، غزه، سومالی، سودان جنوبی و سودان شامدی آشکار بر ناکامی جامعه جهانی در جلوگیری از بروز درگیری و خشونت گسترده است. خانم پیلای، که یک حقوق‌دان اهل آفریقای جنوبی است، گفت: «در هیچیک از این موارد، بحران کنونی بدون پیش آگهی بروز نکرد بلکه در نتیجه تجاوز به حقوق بشر طی چند سال و گاه حتی چند دهه، شکل گرفت و به فاجعه منجر شد.»

ناوی پیلای به کشور خاصی اشاره نکرد اما استفاده از حق وتو برای جلوگیری از اقدام بین‌المللی در جلوگیری یا خاتمه دادن به بحران‌ها را مورد انتقاد قرار داد. در سال‌های اخیر، روسیه و همچنین چین به منظور جلوگیری از اقدامات موثر سازمان ملل در مورد سوریه به حق وتو متوسل شدند. بحران سیاسی سوریه به تدریج به یک جنگ داخلی وسیع و پر تلفات و قدرت‌گیری اسلامگرایان تندرو در منطقه منجر شده است.

امر زید الحسین از ماه آینده میلادی کمیسیون عالی حقوق بشر خواهد بود

کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل در بخش دیگری از سخنان خود توصیه کرد که پیمان تجارت اسلحه تقویت شود به نحوی که بتواند تجارت تسلیحاتی را تحت نظارت بیشتر قرار دهد و مانع از دسترسی ناقضان حقوق بشر و همچنین گروه‌های تبهکار به اسلحه شود. وی گفت: «دولت‌های امضاکننده این پیمان باید موافقت کنند که یکی از شرایط اصلی فروش اسلحه به کشورهایی که با مساله نقض حقوق بشر مواجه هستند، اعزام یک هیات کوچک از کارشناسان ناظر بر وضعیت حقوق بشر باشد.» تا کنون سی و یک کشور جهان این پیمان را امضا و در پارلمان‌های خود تصویب کرده‌اند و زمانی که تعداد کشورهای عضو پیمان به پنجاه و یک نفر برسد، این پیمان اجرایی خواهد شد. در جلسه شورای امنیت، بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل نیز گفت که هرگاه سازمان ملل از حمایت کامل شورای امنیت برخوردار بوده، حتی اقدامات کوچک آن نیز کارساز بوده است و تأثیری قابل توجه داشته است. وی افزود: «در مقابل، هر گاه شورا از وحدت نظر برخوردار نبوده، آنگاه که دیر اقدام کرده و اقدامات سازمان ملل تنها به جنبه های محدود مورد توافق همه اعضای شورا منحصر بوده است، نتیجه کار را می‌توان در مرگ و رنج و مصیبت فراوان انسان‌ها و البته تضعیف اعتبار این سازمان مشاهده کرد.»

بخش نخست

## چرا اجرای خوب یک استراتژی بد ارزشمند است؟



نویسنده: **Phanish Puranam**  
مترجم: **مریم رضایی**

وقتی مأموریت تولید اولین نوع نرم افزار ماشین حساب گرافیکی شرکت اپل در سال ۱۹۹۳ لغو شد، رون آویزور و گرگ رابینز، تولیدکنندگان مستقل نرم افزار، اهمیتی به موضوع ندادند. آن‌ها فقط درخواست کردند که از نشان شناسایی اپل برای دسترسی به امکانات این شرکت استفاده کنند و به این ترتیب، ۶ ماه متوالی بدون دریافت دستمزد روی این پروژه کار کردند. اکنون سال‌ها پس از تکمیل این پروژه، نرم افزار ماشین حساب گرافیکی روی ۲۰ میلیون دستگاه نصب شده است. این نمونه‌ی متقاعدکننده از چیزی است که محققان سازمانی آن را «اکتشاف پایین به بالا» می‌نامند که یعنی کارمندان از استراتژی رسمی منحرف شده، اما تلاش آن‌ها به دستاوردهای بزرگی برای شرکت‌ها منجر می‌شود.

اپل تنها شرکت تکنالوژی آمریکایی نیست که به کارمندان خود اجازه داده تفکراتشان را دنبال کنند و در نهایت از این روند بهره برده است. شرکت گوگل هم معروف است که به کارمندان خود اجازه می‌دهد، ۲۰ درصد زمان خود را در پروژه‌های شخصی مرتبط با شرکت صرف کنند. این سیاست به ساخت **Google News**، **AdSense** و **Gmail** منجر شده است.

اما با وجود این که می‌دانیم این روند انحراف از استراتژی اصلی است و نیز این حقیقت را می‌دانیم که استراتژی‌های مدیران به ندرت کامل و تمام‌عیار اند، آیا معقول است که مدیران بر اجرای این نوع استراتژی‌ها تأکید کنند؟

من و همکارم اگمان لی، اخیراً در مقاله‌ی با عنوان «توضیح لزوم اجرا: چرا اجرای موثر یک استراتژی حتماً بد، می‌تواند موثر باشد»، یک تیوری را مطرح کرده‌ایم که توضیح می‌دهد چرا پی‌گیری اجرای موثر یک استراتژی می‌تواند معقول باشد. منظور از موثر بودن اجرای یک استراتژی، میزان همخوانی فعالیت‌های یک سازمان با مقاصد استراتژیک آن است. بنابراین، شرکتی که می‌خواهد یک استراتژی ارزش‌آفرین را دنبال کند، اگر بتواند هزینه‌هایش را نسبت به رقبا کاهش دهد، می‌توان گفت در اجرای استراتژی خود موفق بوده است؛ صرف‌نظر از این که به سودآوری برسد یا نرسد.

### اجرای استراتژی در فضای مجازی

ویژه‌گی اساسی اجرای استراتژی‌ی که ما در تحقیق مان بر آن متمرکز شدیم، تفکیک بین عقاید و اعمال است. به عبارت دیگر، در یک شرکت افرادی که استراتژی‌هایی را مطرح و آن‌ها را اصلاح می‌کنند، معمولاً اجراکننده این استراتژی‌ها نیستند. در تلاش برای بررسی عواقب این تفکیک، یک «مدل عامل محور» را ساختیم که در اصل نوعی برنامه‌کمیوتری است که منطق تعامل بین افراد را تکرار می‌کند، آن‌هم به شیوه‌ی که به ما امکان می‌دهد آن‌چه را قرار است در این تعاملات در شرایط کاملاً متنوع اتفاق بیفتد، به تصویر بکشیم.

مدل ما یک مدیر و فرد زیردست او را شامل می‌شود که قرار است با انتخاب از میان گزینه‌های مختلف از طریق آزمون و خطا، به بیشترین سود ممکن برسند. در هر دوره، مدیر یک استراتژی را انتخاب می‌کند و به زیردستش می‌گوید، چه کاری باید انجام دهد و او هم به محض این که توجیه شد، استراتژی مورد نظر را اجرا می‌کند. در پایان، یک خروجی عمل‌کرد وجود خواهد داشت که مدیر عقایدش را در مورد ارزش استراتژی بر اساس عمل‌کرد مشاهده شده، اصلاح خواهد کرد. ما این مدل را در دوره‌های متعدد و در انواع ویژه‌گی‌های مختلف که با دنیای واقعی مطابقت داشت، پیاده کردیم.

ما دریافته‌ایم که در شرایط مختلف، درحقیقت بهتر است کارآیی نحوه اجرای کارمند زیردست را ارتقا دهیم؛ حتی وقتی استراتژی انتخابی مدیر، لزوماً استراتژی خوبی نباشد.

بخش دوم و پایانی

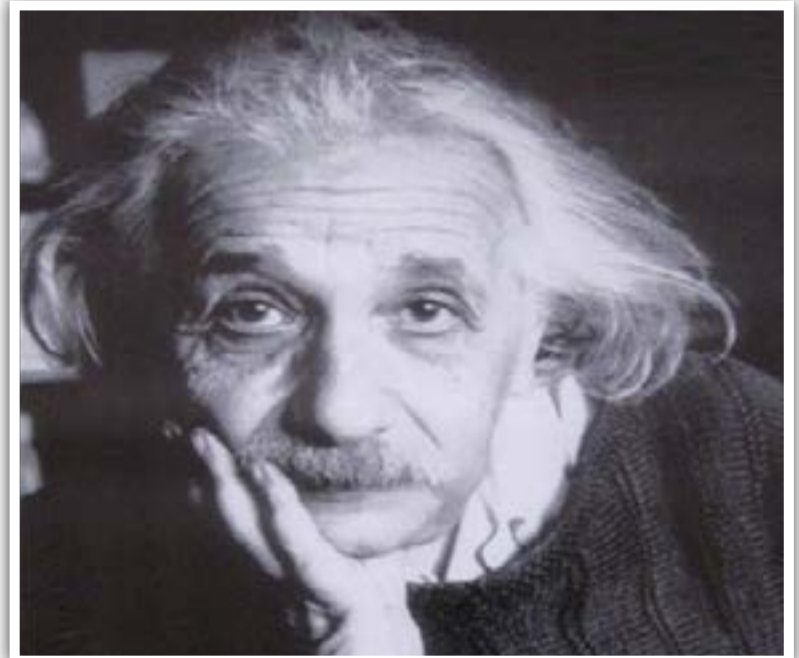
# انشتین و فیزیک کوانتوم

نویسنده: **پل استراترن**

برگردان: **بهرام معلمی**

ماکس پلانک (۱۸۵۸-۱۹۴۷) فیزیکدان آلمانی در برلین درباره این اتفاق‌ها، در کنار پدیده‌های مرتبطی که بر تعارض‌ها و تضادهای نظریه موجی دلالت می‌کردند، به تحقیق و پژوهش پرداخت. وی به تشریح و توصیف ریاضی این پدیده‌ها مبادرت کرد که به نتایج هر دم شگفت‌آورتری انجامید. به نظر می‌آمد که این نتایج با اصول اساسی فیزیک کلاسیک، آن‌چنان که دوصدسال پیش در زمان نیوتون فهمیده و درک شده بودند، در تعارض هستند.

در چهاردهم دسامبر سال ۱۹۰۰، پلانک به نتیجه‌ی حساس و حیاتی دست یافت. در آن روز، در حالی که وی داشت در جنگل‌های گروه‌والد در نزدیکی برلین قدم می‌زد، به پسر جوانش گفت: «من امروز کشفی به بزرگی کشف نیوتون کرده‌ام ... من نخستین گام را فراتر از فیزیک کلاسیک برداشته‌ام!» بنابر یافته‌های پلانک، وقتی نور بر ماده برخورد می‌کند، مطابق آنچه از شعور متعارف (و نظریه‌های موجی و ذره‌ی نور) برمی‌آید، نه جذب



پلانک بی‌نظمی و بی‌هنجاری جدیدی را آشکارسازی کرده بود که تا فراسوی حوزه فیزیک کلاسیک گسترش می‌یافت. در آن‌جا که به نور ربط پیدا می‌کرد، راه‌حل انشتین به معنای پایان قطعی دیدگاه کلاسیک فیزیک بود. بدتر از این‌ها، این راه حل قوانین منطق را نقض می‌کرد. انتظار می‌رفت نور در عین حال دو چیز متناقض باشد. چه‌گونه می‌شود چیزی متشکل از ذرات گسسته و با این وجود در عین حال موج، با طول موج قابل اندازه‌گیری، باشد؟ علم به عصر جدیدی، فراسوی شعور و عقل متعارف پای نهاده بود. در چنین مواردی، علم ضرورتاً در پی فهمیدن آن چیزی نبود که جریان داشت، بلکه علم درصدد برمی‌آمد آن را تشریح کند؛ به طریقی (چه متناقض یا سازگار) که بتوان آن را برای توضیح دادن پدیده‌ها و تعیین کردن معرفت و دانش آینده به کار گرفت. «دیدگاه اکتشافی» انشتین (مبتنی بر پدیده‌های مشاهده‌شده به جای نظریه جامع) اثر فوتوالکترونیک را توضیح می‌داد، اثر را هم توجیه می‌کرد و دلیل قانع‌کننده‌ی برای آن می‌یافت. نور به صورت کوانتوم‌هایی حرکت می‌کرد که مانند ذرات عمل و رفتار می‌کردند، و

و نه به صورت شارش پیوسته گسیل می‌شد. در عوض به صورت رگبارهای جداگانه انرژی، بیشتر شبیه به ذرات، گسیل یا جذب می‌شدند. وی هر یک از این رگبارهای جداگانه انرژی را کوانتوم، برگرفته از کلمه لاتین **quanta** به معنای «چه تعداد»، نامید. اندازه این کوانتوم‌ها به بسامد موج نور فردی بسته‌گی داشت.

به نظر می‌رسید که نور تعارض‌آمیز، در عین حال هم متشکل از امواج و هم ذرات است. این امر به راستی محال و باورنکردنی به نظر می‌رسید، و پلانک از موافقت با آن و ابراز نظر موافق با آن امتناع ورزید. وی اظهار داشت که نظریه‌اش فقط رابطه بین نور و ماده را تشریح می‌کند. این نظریه در مورد ماهیت خود نور اعمال نمی‌شد. وی اطمینان داشت که رگبارهای گسسته انرژی، یعنی کوانتوم‌ها، در هنگامی که ماده را ترک می‌کنند، به نحوی به یکدیگر می‌پیوندند و امواج را تشکیل می‌دهند. اما وی نمی‌توانست توضیح دهد که این اتفاق چه‌گونه می‌افتد. نظریه کوانتومی داشت پای بر عرصه علم می‌نهاده، اما حتی در نظر بنیان‌گذارش نیز عمدتاً غیرقابل توجیه و غیرقابل توضیح بود.

و این انشتین بود که سرانجام راه‌حلی برای

برخلاف امواج به محیطی نیاز نداشتند تا آن‌ها را منتقل کنند. همان‌گونه که زمانی افرادی گمان برده بودند، اکنون دیگر نیازی به این ماده موهوم نبود. (انشتین، که دستش طی آزمایش مربوط به آشکارسازی اثر مجروح شد که در دانشگاه با دستگاهی آن را انجام داد که خوب سوار و جفت و جور نشده بود، حالا با برانداختن اثر و حذف موجودیت آن، انتقام خود را گرفت.)

نظریه جدید نور انشتین، برخی ناهنجاری‌ها را نیز توضیح می‌داد که در فیزیک کلاسیک بروز کرده بودند. چنین دیدی مکانیکی به جهان، آشکارا حدّ نهایی و نهایت این نوع دیدگاه‌ها نبود. هرچند دید انشتین به نور شباهتی جدی به فرمول‌بندی نادقیق و مخدوش نیوتون در دوصد سال قبل از آن داشت، به معنی پایانی برای فیزیک نیوتون هم به شمار می‌آمد. برهان فیزیکی - ریاضیاتی انشتین، صحنه را برای ورود نظریه کوانتومی مهیا کرد و مفهوم اولیه پلانک (کوانتوم) را بنیاد ماهیت نور قرار داد.

اما پلانک موضوع را از این وجه نمی‌نگریست. وی از حرف‌ونظر خود عدول نکرد و کوتاه نیامد، در حالی که تأکید می‌ورزید کوانتوم‌ها فقط به رابطه نور و ماده اشاره می‌کنند. تا سال ۱۹۱۲، پلانک هنوز هم طی درس‌ها و کنفرانس‌هایش در دانشگاه برلین، کماکان به دیدگاه اکتشافی انشتین حمله می‌کرد؛ و تنها او نبود که از این نظر خود دفاع می‌کرد. دانشمندان معدودی هم به این باور گرایش داشتند که ممکن است علم به این طریق از منطق و اصول منطق عدول کند. از سال ۱۹۱۵ دریافت، فهم و تأیید نظریه انشتین شروع شد، زیرا شواهد آزمایشی و تجربی به نفع آن هرچه انکارناپذیرتر می‌شدند. در دهه ۱۹۲۰ نظریه کوانتوم به عنوان یکی از پیشرفت‌های عمده قرن بیستم شروع به بروز و ظهور کرد. پلانک جایزه نوبل فیزیک سال ۱۹۱۹، و انشتین جایزه نوبل ۱۹۲۱ را دریافت داشتند. (انشتین این نهایت تمجید و تحسین را نه به‌خاطر نظریه نسبیّت، بلکه برای کارهایش در حوزه نور و کوانتوم کسب کرد.) در زمینه عملی، نظریه نور انشتین در آینده نقش پیشاهنگی را در تکوین و ساخت تلویزیون بازی کرد. اما امروزه چشم‌گیرترین کاربرد آن، در «چشم الکترونیک» است که خود به خود درها را باز می‌کند و می‌بندد. این فکر که نیروی مغناطیسی چه‌گونه در فضا منتقل می‌شود، خواب از چشم انشتین کوچک ربوده بود: بیست سال پس از آن شب‌بیداری، توضیح وی از این پدیده فیزیک را دگرگون کرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- Einstein, Albert (۱۹۰۵), "Über einen die Erzeugung und Verwandlung des Lichtes betreffenden heuristischen Gesichtspunkt (On a Heuristic Viewpoint Concerning the Production and Transformation of Light)", *Annalen der Physik* ۱۷ (۱۹۰۵): ۱۳۲-۱۴۸.

۲- Corpuscular theory

۳- حالا که موضوع اثر کلا حل شده و همه می‌دانند اثر وجود خارجی ندارد، ظاهراً مؤلف باید به‌جای قید «متأسفانه» قید «خوشبختانه» را به کار می‌برد، اما این‌جا مؤلف از دیدگاه آن زمانه صحبت می‌کند که تردید در وجود اثر امری ناروا می‌بود.

# صنعتِ گفت‌وگو

## در شعرِ سیمین بهبهانی

بخش نخست

نویسنده: ریوان سندلر

استاد دانشگاه تورانتو شمالی

برگردان: دکتر علی‌رضا شمالی

در شعر بهبهانی زمان و زمانه گذشته همان قدر حاضرند که اینک و اکنون. بهبهانی، استادی، اندیشه و اندیشناکی روزگار کنونی را در کالبد کهنی چون غزل می‌کشد و آگاهانه بر این نکته انگشت می‌نهد که «از همان آغاز، شعرهایم بازنمای شرایط اجتماعی و تاریخی من بوده‌اند.»<sup>۱</sup> بهبهانی در دهه ۱۹۵۰ نخستین دفتر شعر خویش را به چاپ رسانید. گرچه در این دوران فرهیخته‌گان ادبی ایران شعر نو را بسیار می‌پسندیدند و در سبک نیمایی برون‌رفتی از قالب‌های تنگ قدمایی می‌جستند، بهبهانی راه و رسم غزل‌سرایی را برگزید و در تمامی دوران شاعری‌اش در حال‌وهوای غزل سرود و به سر برد. او ساختار غزل را دگرگون ساخت و با در میان آوردن شیوه‌های نوین وزن و قافیه‌پردازی، غزل را «پاسخی به نیازهای درونی خویش یافت».

بهبهانی پنجره غزل را بر گفت‌وگوهای روزانه گشود و با تکرار و گسترش وزن‌ها غزل را از «مرز قالب‌ها و وزن‌های» مرسوم فراتر برد: «من در این شیوه سخنانی را به رشته غزل کشیده‌ام که هیچگاه پیش از این امکان پدیدار شدن در این قالب سنتی را نداشته‌اند.»<sup>۲</sup> بهبهانی در کار غزل‌سرایی قالب‌های دل‌پسندی برگزیده است. اما بی‌گمان این شیوه ویژه سرایش اوست که شعرش را به‌روز کرده و همراه با زمان به پیش رانده. هدف این نوشتار، واریسی این شیوه سرایش است.

از نمونه پیوند میان گذشته و اکنون در کارهای بهبهانی «نغمه روسپی» است که در دفترهای شعر او در سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۳۵ آمده. در این شعر نمادهای سنتی چون رخ و زلف و بوی مشک حاضرند، اما وصف سنتی از معشوقه در میان نیست. زنی که شعر بهبهانی باز می‌نماید، روسپی است و شعر، بیش از بدن او، به آنچه که در قلب این زن بینوا می‌گذرد می‌پردازد. روسپی اگر جام شرابی می‌طلبد، برای پوشاندن غم‌های درونی است و نه به قصد شادخواری. چه، برای زنده ماندن باید خود را همراه و هم‌سخن سرزنده و شادابی جلوه دهد تا بتواند در چشم مرد خریدارش خواستنی بنماید.

بهبهانی در سن بیست سالگی در گفت‌وگویی شعر خویش را «سخن دل» می‌نامد<sup>۳</sup> و بر آن است که هیچ‌گاه به وقت سرودن «با کسی جز آن که در قلب اوست هم‌سخن نشود.» «نغمه روسپی» با همه دل‌انگیزی‌اش، دشواری‌های کار یک زن شاعر سنت‌شکن در روزگار کنونی را وامی‌نماید؛ شاعری که با آگاهی از شرایط ناهموار اجتماعی زنان و به‌ویژه زنان هنرمند، لبان شیرینش را به اندوه و ناگزیری، زهار می‌دهد تا بی‌پروا هرآنچه را در دل می‌گذرد در سخن آشکار نکند. گویی این بیت که از زبان آن روسپی بی‌نواست، پندی نیز برای زن شاعر نهفته دارد:

لب من - ای لب نیرنگ‌فروش

بر غمم پرده‌یی از راز بکش

تا مرا چند درم پیش دهند،

خنده کن، بوسه بز، ناز بکش<sup>۴</sup>

زن روسپی در شعر بهبهانی آگاه و پُراراده است، اما این اراده و آگاهی او را به ویران‌گری خویش می‌کشاند. او به یاری این اراده همه نشانه‌های غم‌های درون را در پس پرده راز پنهان می‌کند تا حریف خریدار را شاد سازد:

وای، ای غم، ز دلم دست بکش

کاین زمان شادی او می‌باید!

«نغمه روسپی» درآمدی بر اندیشه‌ورزی و دل‌بسته‌گی ادبی بهبهانی به چندوچون شیوه نگاه و تفکر زنان در روزگار توفانی ایران مدرن است. این شعر، اما، تنها سرآغاز چنان فرآیندی است، در

شعری که دو دهه پس از آن به چاپ رسیده است. شاعر زن کولی را فرا می‌خواند که:

بالا گرفته کار جنون

کولی، دوباره زار بز!

بغض فشرده می‌کشدت

فریاد کن، هوار بز!

با آغاز سده بیستم برخی از شاعران مرد در شعر خویش گاه به نکته‌هایی چون جایگاه اجتماعی زنان پرداختند. با این حال، در این گونه شعرها نیز زن همچنان در سایه نگاه‌های شاعرانه و در قامت یک موضوع زیباشناختی و ادبی پدیدار شده است. برای نمونه در شعر «دختر برده»، منوچهر شیبانی چنین می‌سراید: «آه، ای ساکن سرزمین افسانه‌ها، هیچ کس چیزی در بهای گوهر اشکت نثار نمی‌کند.»<sup>۵</sup>

بهبهانی، اما، در سفر خویش به سرزمین «شعر زنانه»، به زن گلویی برای آواز می‌دهد تا ندایی را که در جامه مردسالار شنیده نمی‌شود، به زبان آورد. چنان‌که گفتیم، بازنمای‌های او از حال و روز زنان نه چندوچون جلوه‌های بدنی، که کشاکش‌های درونی در روح زنان را به نقش می‌کشد. در قطعه‌یی به نام «خون سبز»، که در دهه ۱۳۴۰ سروده شده است، بهبهانی زبان شعری‌یی را به کار می‌بندد که آشکارا زنانه است و از زبان رسمی «نغمه روسپی» جداست. او در سرودن این شعر از صنعت گفت‌وگو که پیش از این نیز در شعرهای زنان آمده است بهره می‌جوید. گفت‌وگو در شعر بهبهانی چون ابزار پیچیده‌یی در خدمت بازنمایی احوال درونی یک زن به کار می‌رود. «خون سبز» با خطایی آشنا و کهن آغاز می‌شود: «ای مرغ نفرین... همان مرغی که هرگز نغمه خوش سر نمی‌دهد و برعکس، چنان به تلخی از روزگار ناساز شکوه می‌کند که شاعر را بیش از هر چیز به در میان نهادن این ناخشنودی با خواننده‌گان شعرش وا می‌دارد:

ای مرغ نفرین! گوش من آزرده شد از وای تو...

در هر تپیدن از دلم، آید صدای پای تو  
سخن شاعر با پرنده به‌روشنی همدلانه است و آهنگش خواننده شعر را فرامی‌خواند تا درو به چشم همزبانی غمخوار برای پرنده بنگرد. در بافتار شعر، پرنده و شاعر درهم می‌آمیزند چنان‌که دیگر جدا کردن هریک از دیگری ممکن نیست. گویی هر دو با یک زبان سخن می‌گویند:

ای ساقه برف آشنا! امید گل کردن کجا

تا خون سبز زنده‌گی بیخ بسته در رگ‌های تو؟

ای خشک‌سال جاودان! ای کوری گلزار جان

از لاله چشمی وانش، تا سینه شد صحرای تو؟



کابوس وحشت‌زایی، خواب جنون‌افزا تویی  
هر شب به کامم می‌کشد درد آفرین ندای تو  
گرچه زبان شعر آکنده از مفهوم‌های پیوسته  
با هستی یک زن است، از آن جمله سترونی و  
نازایی، زادن و به دنیا آوردن، سخن پایانی شعر  
آشکارا از تصویرها و نمادهای زنده‌گی زن  
بهره می‌جوید و طنین صدای یک زن را پدیدار  
می‌سازد:

گر لحظه‌یی همچون پری، خندم به ناز و دلبری  
سیلی زد برچهره‌ام، اهریمن سودای تو  
طبعم ز جور خسته شد، شعرت به بندم بسته  
شد

لب را فرو بست از سخن، زنجیری گویای تو  
و آخرین بیت شکی بر جای نمی‌گذارد که  
سراینده شعر از جایگاه یک زن سخن می‌گوید:

نه نطفه میلی در او، نه باردار از آرزو  
سنگی ست در نقش زنی؛ هم‌بستر نازای او

در ایران سده بیستم، همانند بسیار گوشه‌های دیگر جهان مدرن، زنان شاعر به‌آرامی به قلمرو پردازش‌های ادبی گام نهادند. شاعران اما هیچ‌گاه در فضای تهی شعر نمی‌سرایند، بلکه همواره رشته‌یی از کارهای ادبی آنان را با گذشته پیوند می‌دهد. چه بسا تارهایی از این رشته که باید گرمی داشته شوند و یا به فراخور زمانه و درک شاعران، جدا گردند و در کنار مانند. از این گذشته، گرچه نخستین زنان شاعر نیز از همان قالب‌ها و صنعت‌های ادبی مرسوم در جامعه خویش بهره می‌بردند، تجربه ایشان از جامعه خویش متفاوت از تجربه مردان شاعر از همان جامعه ناهمگون بوده است.

جامعه‌یی که با زن و تکاپو و آفریننده‌گی‌های هنری‌اش سر ناسازگاری دارد، به ناچار نشان خویش را بر شعر یک زن شاعر آشکار می‌کند. زنان ایرانی نیز که همچون هم‌تایان خود در دیگر فرهنگ‌ها به‌تدریج با وظیفه نویسنده‌گی خویش آشنا می‌شوند، چندوچون زیستن در چنین جامعه‌یی را در نوشته‌های خود باز می‌نمایند و پرده از به‌هم پیوسته‌گی و دادوستد تجربه‌های اجتماعی و تجربه‌های شاعری خویش برمی‌گیرند. پژوهش مارگارت هومنز (Margaret Homans) در سروده‌های سه زن شاعر انگلیسی گواه این نکته است که زنان شاعر نیز مانند زنان نویسنده به تجربه اجتماعی خویش تکیه می‌کنند و همواره به سنت ادبی پیش از خود تنها به‌سان سرچشمه‌یی برای الهام و راه‌یابی نظر دارند.<sup>۶</sup>



شعری از همزبانگت در سطر زاده  
در سوگ بانوی پسته غزل پیمین بهبهانی

بیار ابری و بر این زمین خسته بیار  
و سیل اشک بیاور به سوگ رفتن یار

به بی‌زمانی آن شاعر همیشه‌شهید  
بیا قصیده نویس و بیا نشیده نگار

به «جای پای» عزیزی که رفت از بر ما  
بیا و واژه بیاور، سرود و چامه بکار

به شاعری که به «مرمر» سرود عشق نوشت  
و «چلچراغ» بیاویخت بر صحیفه‌یی تار

کسی که داد به ما «یک دریچه آزادی»  
چو امتداد صدای سحر، سپیده سوار

صمیم دفتر آواز دلبران می‌شد  
ز «دشت ارژن» اگر می‌سترد گرد و غبار

«خطی ز سرعت و از آتش» آفتابی شد  
به دیر کهنه شعر و به عشق سرخ دیار

بیار ابری و دشتی که جای دل‌تنگی‌ست  
که رفت بانویی از جنس نغمه و گفتار

به بیستون غزل تیشه‌دار عاشق‌وش  
و پاسدار زبان با تمام دار و ندار

صدای نازک پرمهر او به گوشم هست  
بیا به خانه من شعر هم زیاد بیار

نگفت و رفت و بماند در دلم صدایش آه:  
«به وقت مرگم اگر تازه می‌کنی دیدار»

به وقت مرگ تو ای وای ما چه دیداری؟  
تو می‌روی و به ما روز می‌شود دیوار

# نه از آن شوری شور نه از این بی نمکی!



**برگرفته شده از برکه فیس بوک احمد ولی مسعود**

از بخت برگشته مردم ما، عرف سیاست خبیثه را در افغانستان انجمنی نیست و خود رای و عقل کل بودن، اشتباه سیری ناپذیر سیاسیون ما را هرگز سیراب نکرد و این همه باعث بدبختی‌ها، ناکامی‌ها و دور باطل تاریخ این سرزمین گردید.

پس از رای زنی‌های ممتد در کنفرانس آجنده ملی بود که کاندیدان توافق خویش را بر طرح تشکیل دولت وحدت ملی اعلام داشتند و نماینده گانی با صلاحیت آنان تفاهم‌نامه‌یی را به امضا رسانیدند.

همزمان با آن، بارها خاطر نشان ساختیم تا چارچوب این طرح آماده گردد و در اصول، مورد توافق قرار گیرد تا تنش‌های انتخاباتی پایین آید، دست‌کزی و خارجی‌ها کوتاه شود، دموکراسی و انتخابات فرصت

یابد تا افغانستان را از مرحله گذار به فردای با ثبات عبور دهد.

اما دریغا که انتخابات و دموکراسی را بهانه آوردند و دلسوزی را به ضعف، ناپختگی سیاسی و روشنفکری تعبیر نمودند. امروزه سرنوشت سرگردان مردم است که بالای شانه‌ها و سینه‌های خود مردم سنگینی می‌کند. صندوق‌های کابوس مانند، هر روز یک جلد و جنجالی نو می‌آفریند و نفس رقابت انتخاباتی بیشتر به یک موضوع حیثیتی مبدل شده که شاید هم دیر زمانی‌ست از مرز مشروعیت گذشته باشد.

یگانه گزینه امیدوار کننده، توافق روی چارچوب دولت وحدت ملی می‌باشد که زیر مذاکره هر دو تیم قرار دارد. امیدوارم که این آخرین شانس برای افغانستان را نیز با هوای دیگری از بین نبرند. ای کاش این مذاکرات، زمانی که برای شان مصرانه پیشنهاد داده بودیم صورت می‌گرفت که امروز یک مدل توافق شده روی میز موجود می‌بود و به این چانه زنی‌ها و صف کشیدن‌ها نیاز نمی‌افتاد که یکی طلب حق مردم را می‌کرد و دیگری قانون را دستاویز قرار می‌داد.

مشاروبین خود رأی‌تر و مغرورتر و عقل کل‌تر، اما نا آشنا با شرایط مردم، نسخه کاپی شده دموکراسی را بدون در نظر داشت شرایط عینی کشور و کاربرد مدل

دموکراسی تحت هم‌چو شرایطی، تنها راه علاج همه دردها تجویز کردند. از آن هم پیشتر رفتند و از همه دموکراسی به جان انتخابات چسبیدند تا زودترک به منزل مقصود برسند!

برنده را صاحب همه چیز و بازنده را به نیستی دعوت کردند، بازی مرگ و زنده گی را با انتخابات گره داده، دوباره زنده کردند و مردم را در برزخ انتخابات قرار دادند تا رسیدن روز محشر (اعلام نتیجه انتخابات) که چه خواهد شد؟! این مشاورین متخصص با استدلال‌های کم عمق، بی پایه و دور از واقعیت‌ها و شرایط کشور، به دور از فهم تاریخی رقابت خشن نخبه‌گان بخاطر قدرت، به دور از درک پیچیده‌گی بازی‌های بزرگتر منطقه و فرا منطقه‌یی و به دور از واقعیت‌های افراط‌گرایی جامعه سنتی ما، ما را به اینجا رسانیدند. انتخابات و دموکراسی را در پرت‌گاه سقوط قرار دادند و امید مردم را کشتند.

اما جالب اینجاست که دقیقاً همین‌ها، امروز با یک چرخش کلان، به اصطلاح به این نتیجه رسیده‌اند که در افغانستان دموکراسی فریبی بیش نبود، انتخابات یک بازی و قانون یک وسیله ... چه خوش گفته‌اند بزرگان: «نه از آن شوری شور نه از این بی نمکی» نمی‌دانم افغانستان تغییر کرده است یا دموکراسی؛ نشود روی ارگ نشینان و نورستانی سفید گردد؟!

## برداشت بن بست آفرین از یک توافق

**احمد عمران**

روز پنج‌شنبه، تیم اصلاحات و همگرایی طی یک نشست بزرگ، مواضع خود را در مورد اعلامیه مشترک میان تیم‌های انتخاباتی به صورت روشن بیان کرد. این همایش بزرگ که زیر نام «مشورت برای دفاع از آرای مردم» برگزار شد، حاوی یک پیام مشخص بود که از زبان رهبر تیم اصلاحات و همگرایی ارایه گشت. داکتر عبدالله عبدالله در این نشست گفت که «به روند بازرسی آرا باور دارد و به آن متعهد است». رهبر تیم اصلاحات و همگرایی هم چنین گفت که «اگر گفت‌وگوهای سیاسی به معنای قبولی باخت ما در انتخابات تعبیر شود، این روند هم‌اکنون ختم است و نتیجه انتخابات را بازرسی آرا مشخص خواهد کرد».

به نظر می‌رسد که برداشت‌های مختلف و ارایه‌های سیاسی از توافق دو نامزد بر سر ایجاد حکومت وحدت ملی بعد از تفتیش آرا و اعلام نتایج، بار دیگر وضعیت سیاسی ناشی از انتخابات را به بن‌بست نزدیک کرده و سبب شده است که داکتر عبدالله در برابر این نوع برداشت‌ها واکنش نشان دهد.

این همایش پس از همایش خیمه لویه جرگه که به دنبال اعلام نتایج اولیه انتخابات دور دوم از سوی تیم اصلاحات و همگرایی برگزار شد، بزرگ‌ترین نمایش قدرت تیم اصلاحات و همگرایی محسوب می‌شود. در همایش خیمه لویه جرگه با حضور بیشتر از سه هزار هوادار تیم اصلاحات و همگرایی، داکتر عبدالله نتایج اولیه را تقبل می‌خواند و به هوادارانش گفت که این نتایج را نمی‌پذیرد. هر چند شرکت‌کننده‌گان نشست خیمه لویه جرگه از داکتر عبدالله خواهان اعلام حکومت منتخب از سوی او شدند، ولی داکتر عبدالله از هواداران تیم اصلاحات و همگرایی خواستار مشوره بیشتر در این مورد شد؛ مشوره‌هایی که به دو سفر جان کری وزیر خارجه امریکا به کابل و ایجاد توافقات فنی و سیاسی در روند انتخابات دور دوم منجر شد. ولی پرسش این‌جاست که «چرا تیم اصلاحات و همگرایی برای دومین بار نشست بزرگی را با حضور هوادارانش از سراسر کشور برگزار کرد؟»

### اعتماد مردم را در برابر...

این نامزد ریاست جمهوری با بیان این مطلب که تیم اصلاحات و همگرایی متعهد به دفاع از رای پاک مردم است افزود: « ما هیچ امتیازی نداریم جز امتیاز اعتماد مردم و اعتماد مردم را در بدل هیچ امتیازی معامله نمی‌کنیم. این حرف واضح و روشن ماست». محمد محقق معاون دوم داکتر عبدالله عبدالله با اشاره به تقلبات گسترده انتخابات در دور انتخابات ریاست جمهوری، تیم اصلاحات و همگرایی را برنده دور

پاسخ این پرسش در چند مسأله که پس از امضای اعلامیه مشترک میان دو تیم انتخاباتی به وجود آمد، قابل پی‌گیری است:

۱- تعبیرهای گنگ تیم رقیب: به دنبال امضای اعلامیه مشترک میان دو تیم انتخاباتی، برخی رهبران تیم تحول و تداوم برداشت‌ها و تعبیرهای متفاوتی را از نص این اعلامیه ارایه کردند؛ برداشت‌ها و تعبیرهایی که عمدتاً به هدف خاصی ارایه شدند. اشرف‌غنی احمدزی رهبر تیم تحول و تداوم در یک سخنرانی گفت که امضای اعلامیه مشترک و ایجاد دولت وحدت ملی، به معنای تقسیم قدرت میان دو تیم انتخاباتی نیست. برخی دیگر از رهبران این تیم نیز به گونه تعمدی تلاش کردند که به چنین شایعه‌یی دامن بزنند که گویا تیم اصلاحات و همگرایی با امضای اعلامیه مشترک و توافق بر سر ایجاد دولت وحدت ملی، شکست خود در انتخابات را پذیرفته و بر سر صلاحیت‌های جایگاه دوم که همان ریاست اجراییه حکومت باشد، در حال چانه‌زنی است. این برداشت از نص اعلامیه و نیت تیم اصلاحات و همگرایی از سوی تیم تحول و تداوم کاملاً برداشتی نادرست و مغایر با توافق‌های حاصل شده است. تیم تحول و تداوم با جوسازی و ایجاد فضای گنگ در مورد توافق‌های ایجاد شده، این زمینه را فراهم کرد که برخی‌ها به این نتیجه برسند که تیم اصلاحات و همگرایی در حال امتیازخواهی و معامله‌گری با رقیب سیاسی خود است.

۲- بازی با روند تفتیش آرا: بحث اصلی در توافق‌های صورت گرفته - همان‌گونه که داکتر عبدالله رهبر تیم اصلاحات و همگرایی در سخنرانی روز پنجشنبه خود به آن اشاره داشت - بحث تفتیش و بازرسی آراست. تیم اصلاحات و همگرایی عقیده دارد که نخست باید رییس جمهوری مشروع کشور از طریق پاک‌سازی آرا مشخص شود، آن‌گاه می‌توان در مورد روند سیاسی و ایجاد دولت وحدت ملی سخن گفت. به باور آقای عبدالله، تفتیش آرا مسأله محوری در گفت‌وگوهای اخیر است و نباید چنین برداشت شود که تفتیش آرا پس از امضای اعلامیه مشترک، دیگر منطقی به نظر

اول و دوم انتخابات خواند. آقای محقق اظهار داشت که تنها کسی می‌تواند در افغانستان ثبات و امنیت را تأمین کند که رای پاک و واقعی مردم را با خود داشته باشد.

او با بیان یک داستان کوتاه به کنایه به تیم رقیب اش گفت: « هر کس بدون رای مردم قدرت را در اختیار گیرد؛ مانند اسب جولا ( شرح یک داستان عامیانه) پس از یک شب بادش خالی می‌شود و از قدرت می‌افتد».

### یک پلیس پنج همکار خود...

افغانستان به صورت تلفنی ارتباط داشته، ابتدا در غذای پنج همکار خود، شامل چهار سرباز و یک درجه دار، سم می‌ریزد و بعد همه را به قتل می‌رساند».

این مقام پلیس گفت که این سرباز مهمات و اسلحه همکاران خود را نیز با خود برده است.

عمر زواک، سخنگوی والی ولایت هلمند نیز با تایید کشته شدند این پنج سرباز پلیس، به بی‌بی‌سی گفت که تحقیق درباره نحوه کشته شدن این افراد جریان دارد و بعد از اتمام بررسی نحوه کشته شدن آنان رسماً اعلام خواهد شد.

مقامات محلی در ولایت ارزگان در جنوب افغانستان نیز به تاریخ ۱۵ اسد امسال اعلام کرده بودند که در ولسوالی ترینکوت در مرکز این ولایت یک سرباز پلیس، ۷ همکار افغان خود را ابتدا مسموم و بعد شش نفر آنان را به ضرب گلوله کشته و یک نفر را زخمی کرد.

۱۴ اسد نیز در اثر تیراندازی یک فرد در لباس ارتش افغانستان به کارمندان یک دانشگاه نظامی در کابل و همکاران خارجی آنها، یک جنرال امریکایی کشته و ۱۵ نفر از جمله فرمانده دانشگاه و یک جنرال آلمانی زخمی شدند.

جنرال هارولد گرین، بلند پایه ترین مقام نظامی بین المللی بود که از زمان سقوط گروه طالبان در سال ۲۰۰۱ در افغانستان کشته شد.

### ابتدال در هنر و تنور...

پدیده در کشور رو به افزایش خواهد رفت. در کنار عوامل دیگری که سبب افزایش این پدیده در اجتماع افغانستان گردیده، یکی هم پرداختن شماری از هنرمندان محلی و خواندن اشعار مبتذل برای «بچه‌ها» و «بچه‌بازان» توسط این هنرمندان بوده است.

این آهنگ‌ها که بیشتر در محافل عروسی و یا شب‌نشینی‌ها خوانده شده به بسیار آسانی قابل دسترس است که سبب گرم شدن و ترویج بیشتر بچه‌بازی شده است. در موترهای مسیری‌یی که به ولایات مسافر می‌برند و حتا در شهر کابل از این نوارها موجود است و راننده‌گان این موترها بدون در نظر داشت این‌که آوازخوان چه چیزهای مبتذلی را می‌خواند، با صدای بلند آواز آن‌ها را در موترهای خود می‌شنوند.

در شمار زیادی از این نوارها شنیده می‌شود که پسر بچه‌های بی‌بضاعت در کنار رقصیدن برای کسانی که آنان را با خود نگه داشته‌اند، آواز می‌خوانند و از کسانی که آنان را نگه داشته‌اند، ابراز رضایت کرده و خود را در قید او می‌شمارند. آوازخوان‌های محلی‌یی که بیشتر به ابتدال در هنر پرداخته‌اند، هر روز شمار آنان بیشتر می‌گردد و حتا گفته می‌شود که بعضی از این آوازخوان‌ها خود به نگه‌داری کودکان برای رقصاندن در این‌گونه محافل نیز می‌پردازند. در بعضی از این آهنگ‌های مبتذل کسانی که به نگه‌داری کودکان می‌پردازند، به نیکویی یاد شده و حتا قهرمان معرفی می‌گردند.

در یکی از فلم‌های مستندی که از زنده‌گی چند قربانی این عمل در سال‌های گذشته در افغانستان تهیه شده است و در شبکه یوتیوب قابل دسترس می‌باشد، نشان داده شده که آوازخوان‌های محلی پسر بچه‌ها را آموزش رقص نیز می‌دهند و کسانی که این بچه‌ها را نگه می‌دارند، آنان را تحویل این آوازخوان‌ها کرده تا هنر رقص بیاموزند و سبب سربلندی و فخر آنان گردند!

بعضی از این آوازخوان‌ها که از این مدرک به خود نام و نشانی پیدا کرده‌اند عبارت‌اند از: فیروز قندوزی، امرالدین، منا دمبوره، جمشید پروانی، حسن بسمل، شیرکش، اکبر بغلانی.

در جریان سال‌های گذشته، به‌خاطر هم‌چشمی‌های زورمندی که بچه نگه داشته‌اند، برخوردهایی نیز در محافل بچه‌بازی با اشتراک آوازخوان‌ها صورت گرفته است که در این درگیری‌ها شماری هم کشته شده‌اند.

حدود چند ماه پیش یکی از این برخوردها که رسانه‌یی نیز گردید، در ولایت بغلان صورت گرفت که در آن ۷ تن کشته شدند.

در همان زمان نیز گفته شد که این جنگ و اختلاف بر اثر رقص و آواز دو بچه در محفل عروسی میان دو فرمانده محلی به میان آمده بود.

باید دید که پس از این‌همه حوادث ناگوار و گزارش‌های تکان‌دهنده، ارگان‌های مسوول و ذی‌ربط در پیوند با پدیده بچه‌بازی در افغانستان و برخورد با عوامل آن، چه سیاست و برنامه‌یی را در پیش می‌گیرند.

معاون دوم داکتر عبدالله گفت: « انتخابات را ما بردیم. از تیم مقابل می‌خواهیم که بیانند! مطابق همان فیصله نامه، شورای اجراییه با صلاحیت‌های بالا در اختیارشان است».

این گفته‌ها در حالی مطرح می‌گردد که نمایندگان هر دو ستاد انتخاباتی در چارچوب کمیسیون (کمیسیون وحدت ملی) از یک هفته بدین سو گفت و گوهای شان را پیرامون ساختار و چگونگی تشکیل حکومت وحدت ملی آغاز کرده‌اند.

محمد امین فرهنگ در نشست گفتگویی پیرامون تشکیل دولت وحدت ملی در افغانستان:

## انتخابات ملکیت افغانها است

با سلام خدمت همه دوستان و عزیزانی که این جا تشریف آورده اند.

طوری که ما و شما می‌دانیم افغانستان بعد از آن که انتخابات دور اول برگزار گردید و مردم قهرمان افغانستان با شجاعت و با علاقه زیاد پای صندوق‌های رأی رفتند و تصمیم نهایی خود را در جهت دموکراتیک‌تر شدن افغانستان ابراز کردند؛ بلاخره انتخابات به دور دوم رفت و در دور دوم شمار زیاد مردم علاقه گرفتند؛ از میان دو نامزد پیش‌نهاد انتخابات دور اول تصمیم‌گرفتند که این تصمیم نسبی است و برای تلفیق نظام دموکراسی در افغانستان می‌باشد.

مردم افغانستان با این عملکرد خود به هر نوع نظامی که شکل دکتاتوری، تحمیلی و یا اتوکراتیک را داشته باشد جواب منفی دادند و اراده کامل خود را برای نظام دموکراسی در افغانستان ابراز کردند.

متأسفانه، بعد از آن که دور دوم انتخابات به سرانجام رسید نظر به بعضی مسایلی که شاید روزی از همه آنها پرده برداشته شود، انتخابات به طرف یک بحران رفت و در میان دو طرفی که به

حیث نامزدان پیش‌نهاد مطرح بودند یک سلسله مشکلاتی پیدا شد که زمان آن نیست تا در این جا همه آن را تشریح کنم، چون همه آن را دنبال کرده اند و می‌دانند.

هدف اساسی تیم کنفرانس آجندای ملی این بود که انتخابات، ریاست جمهوری و قدرت ملکیت افغانستان است و حق اول افغانها است و آنان باید در این باره تصمیم بگیرند.

چون اختلافات زیاد گردید و در نهایت پای خارجی‌ها در این قضیه داخل شد؛ آقای جان کری یکبار به کابل آمد که بعضی موافقت‌ها صورت گرفت و این موافقت‌ها نیز ره به جایی نبرد که آقای کری مجبور شد تا بار دوم بیاید و در این بار موافقت

جدی‌تر صورت گرفت و روی این موافقت‌ها امضا نیز شد. آرزو می‌کنیم که آهسته آهسته هر دو طرف بتوانند افغانستان را به همکاری هم‌دگر از این بحران بیرون کنند و موضوع صلاحیت‌ها را در داخل نظام به گونه‌ی تنظیم کنند که از یک طرف، اداره سالم و بدون اصطحاک در افغانستان بوجود آید و از جانب دیگر ملت افغانستان که رأی داده اند به این عقیده برسند که از رأی آنها سوء استفاده صورت نگرفته است و از آرای آنها به شکل درست

در اداره آینده افغانستان استفاده شده است.

در موافقت‌اولی‌یی که صورت گرفت تذکر رفته بود تا دو موضوع حل گردد: یکی موضوعات تخنیکی و دیگر هم موضوع سیاسی؛ به عقیده شخصی خودم مشکل عمده در این بود به موضوع تخنیکی ارجحیت داده شد، در حالی که موضوع سیاسی و یا پیدا کردن یک راه حل سیاسی برای زعامت آینده افغانستان عقب گذاشته شد و مشکلات از همین جا پیدا شد، حالا برای این که همان مشکلات سیاسی که عبارت از ایجاد حکومت وحدت ملی باشد هر دو طرف باید مدل‌های خود را هم برای مردم افغانستان و هم برای جامعه بین‌المللی تشریح می‌کردند.

همین حالا کمیته هر دو طرف روی این موارد کار می‌کنند اما شمار از افغانهایی که به هیچ طرف ارتباط ندارند تلاش کردند تا روی یک مدل افغانی نیز کار کنند و این مدل را در اختیار ملت افغانستان و جامعه جهانی قرار داده شود.

شاید شمار از ارزش‌هایی که در این مدل مطرح گردیده است در میان نامزدان نیز مطرح باشد که گپ خوبی است؛ اما شاید مطلب دیگری هم باشد که به درد نامزدان بخورد.

گروپی که روی این مدل کار کرده اند؛ ادعایی برای داخل شدن به قدرت و یا بدست آوردن امتیازی نیستند و ما این را به شکل تعهد این جا اظهار می‌کنیم.

روی همین منظور نشست امروزی را دایر کردیم تا شمار از افغانهایی که در این موارد علاقه دارند با آنان نیز این مدل را شریک سازیم؛ نظریات آنها را جمع کنیم و اگر خدا بخواهد همین مدل کاملاً افغانی خود را به جایی برسانیم که اگر طرفین خدای نخواستند، به توافق سیاسی نرسیدند یک مدل دیگر نیز موجود باشد تا روی آن بحث صورت گیرد.

این موضوع در تمامی کشورها به همین گونه است و در تمامی ممالکی که بحران آمده است یک تعداد مردم دیگری پیش شده اند و به خاطر منافع ملی کشور خود قدم برداشتنند که وظیفه و مکلفیت هر فرد این کشور است؛ البته اکثریت خاموش افغانستان می‌بینند؛ گوش می‌کنند اما وسیله در اختیار ندارند تا در موضوعات دخیل شوند.

این مواردی بود که من به گونه مقدمه این جا عرض کردم.

## در نشست نقش رسانه‌ها و مبارزه با فساد اداری:

## مردم افغانستان در یک سال گذشته حدود دو میلیارد دالر رشوه پرداخته اند

یکی از کشورهای است که در زمینه مبارزه با فساد دستاوردهای نیز دارد و در این دست آوردها نقش رسانه‌های آلمان و سطح نظارت آنها در این رابطه، مشهود است.

سید اکرام افضلی رییس دیدبان شفافیت افغانستان در این نشست گفت که یافته‌های اداره آنها نشان می‌دهد که مردم افغانستان در یک سال در حدود دو میلیارد دالر رشوه بخاطر دسترسی به خدمات اساسی پرداخته اند.

آقای هم‌چنان افضلی گفت: اگر ذهنیت و فکر درست در بین مردم از طریق رسانه‌ها ایجاد شود، حکومت تلاش خواهد کرد که خدمات بهتر را به مردم عرضه کند و نیز مردم باید از تمام کار و فعالیت به شکل پروسه‌یی آگاه ساخته شوند نه مقطعی.

در عین حال، سارن یار راشد طوطاخیل رییس دفتر اداره عالی مبارزه علیه فساد اداری اجراءات این داره را در مبارزه علیه فساد اداری بسنده نمی‌داند. او در پهلوی راهکارهای مبارزه در برابر فساد همکاری رسانه‌های کشور را نیز ضروری می‌داند.

آقای طوطاخیل باور دارد که مبارزه در برابر فساد اداری باید وقایه شود.

همچنان، داکتر احمد راشد بهروز رییس کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری (MEC) در این برنامه گفت که این اداره از پروسه مبارزه علیه فساد اداری نظارت می‌کند نه از قضایای فساد اداری. او گفت که این کمیته تا این دم توانسته است که صد سفارش را جهت آوردن اصلاحات به نهادهای دولتی و بین‌المللی بسپارد. آقای بهروز گفت که رسانه‌های کشور جهت تطبیق این سفارشات باید روی نهادها فشار وارد کنند.

پیش از این نیز دفتر مدیوتیک در کابل برای بیرون رفت از چالش‌های موجود در کشور نشست‌هایی را به اشتراک آگاهان و رسانه‌ها برگزار کرده بود.



مدیوتیک افغانستان و بخش همکاری‌های انکشافی افغان-جرمن در دومین سلسله نشست‌های ماهانه با رسانه‌ها موضوع نقش رسانه‌های همگانی در پوشش مبارزه با فساد اداری را با حضور فعالین جامعه مدنی و رسانه‌یی و نهادهای دولتی زیربط مبارزه علیه فساد اداری به بحث گرفتند.

در این بحث که در صحن دفتر مرکزی مدیوتیک راه اندازی شده بود و در آن ده‌ها تن از خبرنگاران رسانه‌های مختلف کابل حضور داشتند، حمید الله زازی هماهنگ کننده دفتر مدیوتیک افغانستان ضمن صحبت افتتاحیه گفت: خوب می‌بود که کشور های کمک کننده به افغانستان، پیش از سرآزیر شدن پول‌های هنگفت به ما و یا همزمان با کمک‌ها، تجارب خود را در مبارزه علیه فساد اداری با ما شریک می‌ساخت تا ما با این معضل وبا این درجه و گسترده گیمواجه نمی‌شدیم.

سخنران ویژه این برنامه خانم زینا متی ویراستار و خبرنگار تلویزیون آلمان (ARD) بود. خانم زینا متی روی پوشش مسایل و مبارزه با فساد اداری در رسانه‌های بین‌المللی صحبت نموده گفت: نظر به بررسی انجام شده توسط سازمان شفافیت بین‌المللی در حال حاضر ۵۴ درصد آلمان به این باور اند که خود رسانه‌ها نیز در فساد آلوده اند. او افزود که آلمان

## ۹ پاکستانی از زندان بگرام آزاد شدند

۹ زندانی پاکستانی از زندان بگرام آزاد شدند.

پروژه عدالت پاکستان که برای آزادی محبوسین پاکستانی فعالیت می‌کنند تلاش دارد تا این زندانیان که به کمیته صلیب سرخ تسلیم داده شدند، به پاکستان منتقل شوند. حکومت افغانستان در سال ۲۰۱۳ میلادی مسوولیت زندان بگرام را از قوای بین‌المللی بدست گرفت، اما گفته می‌شود که تاکنون مسوولیت زندانیان خارجی در این محبس به عهده قوای امریکایی می‌باشد.

بر بنیاد گزارش‌ها، حدود ۱۵ زند انیپاکستانی تاکنون در زندانبگرام بهسر می‌برند.

سارا بلال، سخنگوی پروژه عدالت پاکستان روز پنجشنبه گفت: از رهایی این محبوسین از زندان بگرام خرسند هستیم و از حکومت پاکستان خواسته تا هرچه زودتر زمینه یکجا شدن این افراد را با خانواده های شان فراهمسازد.



## نیروهای اربکی پروان بر ضد طالبان از تاکتیک جدید استفاده می‌کنند



شماری از فرماندهان نیروهای اربکی ولایت پروان از یک شیوه جدید در مبارزات خود برضد شورشیان طالب خبر می‌دهند.

مسولان امنیتی نیروهای اربکی در ساحات دره غوربند ولایت پروان می‌گویند، بخاطر موفقیت‌های شان در مبارزه با شورشیان طالب از

یک شیوه جدید تکتیکی و چریکی کار می‌گیرند.

آمرستار، یکتن از فرماندهان نیروهای اربکی در ولسوالی سیاه گرد به خبرگزاری جمهور گفت: «یک گروه چند نفری شورشیان طالب را در منطقه چهارده این ولسوالی تحت محاصره قرار داده بودیم اما با استفاده از تاریکی شب فرار کردند اما ما می‌خواهیم بعد از این، شیوه مبارزاتی خود را بگونه چریکی و تکتیکی بسازیم که نتیجه بهتری دارد و در مبارزات برضد دشمنان، موفق می‌شویم»

به گفته آمرستار، در نتیجه درگیری مسلحانه و ماین‌گذاری طالبان، یک فرد ملکی کشته شده است»

درعین حال، مل پاسوال محمدزمان مموزی فرمانده پولیس ولایت پروان دیروز به خبرگزاری جمهور گفت: «آمرستار یکتن از فرماندان اسبق جهاد یک گروهی از شورشیان طالب را در ولسوالی سیاه کرده تحت محاصره قرار داده است.»

نورآقا یکتن از باشندگان محل می‌گوید: «آمرستار یکتن از فرماندان اسبق جهادی یک گروه طالبان را در این ولسوالی تحت محاصره قرار داده بود اما از تلفات طالب معلومات نداریم»

ذبیح الله مجاهد که خود را سخنگوی طالبان معرفی می‌کند در یک پیام تلفونی به خبرگزاری جمهور نگاشته است که در یک درگیری مسلحانه به نیروهای اربکی تلفاتی وارد کرده اند.

اما این ادعا از سوی مسولان امنیتی ولایت پروان به شدت رد شده است.

جنگ‌های چریکی یکی از شیوه های مبارزاتی است که در دوران جهاد و مقاومت از سوی مجاهدین کارگرفته می‌شد که این شیوه آهسته آهسته از قوای مسلح افغانستان در سال‌های اخیر برداشته شده است.

## افزایش آدم‌ربایی در هلمند



اختطاف در هلمند صورت گرفته که بلافاصله از سوی پلیس پیگیری شده و عملکردشان نتیجه داده است.

آقای رحمتی عنوان می‌دارد که مهمترین مشکل مردم هلمند عدم توانایی مقایسه فرار از خانه با گروگان‌گیری می‌باشد.

این مقام پلیس هم‌چنین تأکید می‌کند که در آخرین مورد، پلیس هلمند توانسته تا در یک شبانه روز، فردی را از چنگ گروگان‌گیران نجات داده و عاملان آن را به دادستانی بسپارد. این گفته‌ها در حالی مطرح می‌گردد که پلیس و دیگر ارگان‌های امنیتی هلمند، در دو ماه گذشته سرگرم مقابله با طالبان در ولسوالی سنگین بوده اند.

این درگیری تا کنون برای هر دو جناح تلفات و خسارات، مالی و جانی زیادی را بر جای گذاشته است.

با این همه مسئولان فرماندهی پلیس هلمند گفته اند که برای برچیده شدن رویدادهای جنایی، تیمی ویژه از نیروهای نظامی را تشکیل داده اند.

به باور آنان، این تشکل می‌تواند تا در زودترین فرصت بساط رویدادهایی هم‌چون گروگان‌گیری را از هلمند جمع کند.

باشندگان ولایت هلمند می‌گویند که در این اواخر و پس از درگیری‌های شدید طالبان با دولت، آدم‌ربایی در این ولایت افزایش یافته است.

به گفته آنان در این روزها افراد مسلح ناشناس، به بهانه‌های مختلف، کودکان و ثروتمندان را می‌ربایند که این باعث شده تا روند زندگی مردم با مشکل روبرو شود.

عنایت‌الله فرزند یکی از خانواده‌های متمول لشکرگاه به خبرگزاری جمهور می‌گوید: چند روز قبل ربایندگان پسر همسایه‌اش را بجای او اختطاف کرده و پس از شکنجه زیاد وی را رها ساختند.

او این روند را بسیار مخاطره آمیز عنوان می‌کند و از دولت می‌خواهد تا برای دستگیری عاملان این گونه حوادث توجه زیادی را نشان دهد.

وی در کنار این گفته که در صورت عدم حل این مشکلات مجبور است تا ولایت و یا حتی کشور را ترک کند.

از سوی دیگر مل پاسوال محمدزی رحمتی رییس تحقیقات جنایی هلمند می‌گوید: تمامی ادعاها مبنی بر افزایش واقعات آدم‌ربایی در این ولایت نادرست و دور از حقیقت می‌باشد. به گفته او، در طی سال جاری تنها ۳ مورد

## کاسه صبر هراتی‌ها لبریز شده است!

نامه سرگشاده نثار احمد فیضی غوریانی، نماینده مردم در پارلمان به رییس جمهوری افغانستان

و یا تبدیل شدند، ولی در وضعیت امنیتی هرات هیچ تغییری رونما نشده است. همان آش است و همان کاسه.

آقای رییس جمهور!

مردم هرات پنج سال پیش که به شما رای دادند، مثل همه شهروندان کشور مطالبات و خواست‌های مشخصی داشتند. یکی از خواست‌های اساسی و مهم‌شان، تأمین امنیت بود. هرچند در پنج سال گذشته وضعیت امنیتی هرات فراز و فرودهایی داشته، ولی به‌سان هفته‌های اخیر چنین خطرناک و بحرانی نبوده است. مثل این است که هرات را فراموش کرده‌اید و صدای شهروندان آن را که از نابه‌سامانی‌های امنیتی فریاد می‌زنند، نمی‌شنوید. مردم هرات به شما اعتماد کردند و رای دادند. لطفاً آوازشان را بی‌پاسخ نگذارید.

آقای کرزی!

این نامه را نمی‌خواهم طولانی بسازم. عوامل ناامنی‌ها در هرات مشخص است. باندهای آدم‌ربا و تروریست شناخته شده اند. اگر مسوولانی دل‌سوز و صادق وجود داشته باشند، بدون شک این مشکلات رفع می‌شود. شما در روزهای آخر مأموریت‌تان به عنوان رییس جمهوری افغانستان قرار دارید، کاری انجام دهید که فردا مردم هرات به نیکویی از کارنامه‌های‌تان یاد کنند. در رابطه با ناامنی‌های هرات شورای امنیت ملی کشور باید تصمیم بگیرد و شما در رأس این نهاد معتبر امنیتی قرار دارید. لطفاً هر چه زودتر کاری انجام دهید؛ زیرا کاسه صبر مردم هرات لبریز شده است!



جلالت‌آب حامد کرزی!

هراتیان ماه‌هاست که از ناامنی‌های گسترده، آدم‌ربایی‌های سازمان یافته و ترورهای برنامه‌ریزی شده رنج می‌برند. شهروندان هرات شب‌ها را با هراس و ترس سر به بالین می‌گذرانند و روزها را با اضطراب و نگرانی آغاز می‌کنند. همه نگران‌اند. همه در هراس‌اند. یک روز پسر یکی ناگهان گم می‌شود، روز دیگر فردی به وسیله افراد ناشناس ترور می‌شود و در روز دیگرش افسران و سربازان پولیس کشته می‌شوند. روزی نیست که در این شهر چند واقعه کشتار، ترور و آدم‌ربایی ثبت نشود. روزی نیست که هراتی‌ها اضطراب و ترس را در نزدیکی خود احساس نکنند. مدتی پیش که در واکنش به موج ناامنی‌ها و اعتراض‌های مردمی هیأتی به این شهر رفت، شماری از مسوولان امنیتی از کارهای‌شان برکنار

## د ملی یووالی دولت

## او د نوماندو تاریخی مسوولیت!



مومند

د اجرائوی رییس د صلاحیتونو او د اپوزیسیون د مشر تالکو په اړه پاتې دي او په نورو ټولو مسایلو دواړو لورو توافق کړی دی.

د ولسمشری دواړو نوماندو په هېواد کې د ملي یووالی د رامنځته کېدو لپاره د امریکا د بهرنیو چارو وزیر جان کبری په منځگړیتوب یو توافق لیک هم لاسلیک کړی و، چې له مخې یې دواړو نوماندو د ملي یووالی د حکومت رامنځته کېدو ژمنه کړې وه.

د دغسې حکومت د رامنځته کېدو لپاره د رایو تفتیش، چې په نتیجه کې به یې پاکې رایې له ناپاکو جلا شي، مهم دي؛ خو نوماند او پلویان یې باید هڅه و نه کړي، چې له شوي توافق نه د انحراف لور ته لاړ شي او په یو ډول نه یو ډول دا پروسه زیانمنه کړي.

له دې وړاندې هم داسې رپوتونه خپاره شوي ول، چې په دواړو ټیمونو کې ځینې کسان نه غواړي، د ملي یووالی حکومت رامنځته شي او یا په دې اړه پایلې ته ورسېږي. دا په نوماندو پورې اړه لري چې دا ډول کسان په خپلو ټیمونو کې وپېژني په خبره یې باور نه کړي او اجازه ور نه کړي، چې د ملي یووالی حکومت له خنډونو سره مخ شي.

د ډاکټر عبدالله عبدالله دا خبره هم پر ځای ده، چې د ملي یووالی حکومت رامنځته کېدل باید د امتیاز اخیستو لپاره نه وي، بلکې هدف یوازې او یوازې د اوسنی ناوړین پای ته رسېدل او د یوې باثباته او ډاډمنې راتلونکې په لور گام اخیستل وي. ځکه هېواد په یوه حساس پړاو کې قرار لري، له یوې خوا خلک له اقتصادي اړخه زیانمن شوي او له بلې خوا په هېواد کې ناامنی پراخېدونکې ده. د ملي دفاع وزیر ویلي، چې ای اېس ای له همدې فرصت نه ګټه اخلي. دې مسالې ته باید د نوماندو پام وي.

هغوی باید اجازه ور نه کړي، چې دست خوش د افغانستان د دښمنانو د پروگرامونو د پلي کېدو لامل وگرځي. بلکې دوی باید په پوره هوش او تعقل سره هڅه وکړي، چې لاسلیک شوي توافق پلي کړي او په ګډه یو پیاوړی حکومت رامنځته کړي.

خو که هر نوماند له وخت وړاندې ځان بریالی وبولي او یا د ملي یووالی له حکومت نه د امتیاز اخیستلو هڅه وکړي، طبیعي ده چې د ا پروسه له خنډونو سره مخ کېږي، پایله نه ورکوي او په ټوله کې دښمن ته فرصت په لاسه ورکول کېږي. ښه به دا وي، چې د ولسمشری دواړه نوماندان خپل تاریخي مسوولیت ته ځیر و اوسي.

د پنجشنبې په ورځ د ولسمشری د دواړو نوماندو د ټاکنو په شفافیت ټینګار وکړ. ډاکټر عبدالله عبدالله ویلي، د رایو د تفتیش پروسه باید شفافه وي او خبرداری یې ورکړ، که دا پروسه شفافه نه وي د افغانستان راتلونکی به له ګڼو ستونزو سره مخ شي.

ښاغلي عبدالله دا څرګندونې د پنجشنبې په ورځ په یوه غونډه کې وکړې او د انتخاباتو له خپلواک کمسیون نه یې وغوښتل، چې د اصلاحاتو او همپالنې د ټیم استازو ته پیدا شوې پوښتنې ډېر ژر ځواب کړي. عبدالله عبدالله ویلي، د انتخاباتو هغه نتایج ورته د منلو وړ دي چې د شفافه تفتیش په نتیجه کې اعلان شي.

ښاغلي عبدالله ویلي، په تخنیکي برخه کې د رایو د تفتیش شفافیت او په سیاسي برخه کې د ملي یووالی حکومت هغه څه دي چې د افغانستان یوه روښانه راتلونکې تضمینوالی شي.

له بلې خوا د اشرف غني احمدزي په مشرۍ د تحول او تداوم ټیم هم د رایو د تفتیش پر شفافیت ټینګار وکړ او د ملي یووالی د حکومت د رامنځته کېدو یو شرط یې د تفتیش په پروسه کې شفافیت وباله.

ددغه ټیم ویاند فیض الله دځي په یوه خبري غونډه کې ویلي، چې په تخنیکي برخه کې د ښاغلي عبدالله له خبرو سره هم‌نظره دي او باید شفافیت په هره برخه کې په پام کې ونیول شي.

د رایو د تفتیش په اړه د شفافیت غوښتنه په داسې حال کې د دواړو ټیمونو له خوا مطرح کېږي چې تر دې دمه د شپیتو فیصدو رایو تفتیش پای ته رسېدلی.

په همدې حال کې ولسمشر کرزي هم د ټاکنو د خپلواک کمسیون له غړو او د ملګرو ملتونو له ځانګړي استازي سره په ټاکنيزه پروسه خبرې کړي او غوښتنه یې کړې، چې هر څه ژر دا پروسه پای ته ورسېږي او پایله یې اعلان شي.

د نوماندو له دې څرګندونو ښکاري، چې لا هم د دواړو ټاکنيزو ډلو ترمنځ اختلاف شته او دا اختلافونه ښايي ژر حل نشي. که څه هم چې له دې وړاندې د ملي یووالی کمسیون تمه ښودلې و، چې په دوو اختلافي مسایلو به ډېر ژر د ولسمشری دواړه نوماند خبرې وکړي او حل به یې کړي؛ خو ښکاري چې دا اختلافونه نه دي حل شوي.

د ملي یووالی کمسیون ویلي ول، چې اختلاف یوازې

## ابتدال در هنر و نور گرم بچه‌بازی



روح الله بهزاد

گذشته و سبب ترویج بیشتر آن شده است و حتا در بعضی محافل بچه‌بازی، مقام‌های بلندپایه دولتی به جای برخورد قانونی با این قضیه، خود بچه‌ها را می‌رقصانند و از آن لذت می‌برند.

مسوولان در کمیسیون مستقل حقوق بشر گفته‌اند که در حال حاضر پدیده بچه‌بازی در همه ولایات افغانستان رواج پیدا کرده و بیشترین موارد این پدیده در ولایت‌های جنوبی دیده شده است.

این کمیسیون پیش از این نیز از افزایش عمل بچه‌بازی در کشور ابراز نگرانی کرده و هشدار داده بود که اگر جلو این عمل گرفته نشود، این...

ادامه صفحه ۶

کمیسیون حقوق بشر افغانستان در جریان هفته گذشته دومین گزارش خود را در مورد «عوامل و پیامدهای بچه‌بازی در افغانستان» منتشر کرد.

در این گزارش تحقیقی که در چهارده ولایت افغانستان و با شرکت ۱۹۰۰ نفر صورت گرفته، دریافت شده است که افراد پول‌دار و زورمند کودکان بین ۱۰ تا ۱۸ سال را برای «بهره‌کشی جنسی» استخدام می‌کنند.

رقم درشت کودکان قربانی‌شده، بیشتر کودکان کارگری‌اند که در خبازی‌ها و در خیابان‌ها کار می‌کنند.

در این گزارش نشان داده شده که ۸۶ درصد عاملان گفته‌اند که از این پدیده راضی‌اند، درحالی‌که ۸۷ درصد قربانیان ناراضی‌اند و در تلاش رهایی از این وضعیت بوده‌اند.

در گزارش کمیسیون حقوق بشر آمده است که ۵۶ درصد عاملان بچه‌بازی در افغانستان، افراد بین ۳۱ تا ۵۰ سال هستند و اکثر قربانیان زیر هجده سال‌اند.

یکی از عواملی که سبب گردیده این پدیده شوم در افغانستان افزایش یابد، شناخته نشدن این پدیده به عنوان جرم در قوانین افغانستان است که عاملین آن را دست باز

## روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان

و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر

شش ماهه - ۲۰۰ دالر

نه ماهه - ۳۰۰ دالر

یک ساله - ۴۰۰ دالر



Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر

سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی

شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی

یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی



حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰